



طنین سکوت

پژوهشی جامع در باب ازدواج
زود هنگام کودکان در ایران

پژوهشی از:
کامیل احمدی

kameelahmady.com

فهرست

۲	تقدیر و تشکر
۷	فصل اول: ازدواج زودهنگام کودکان، تعاریف و مفاهیم
۹	ختنه/ناقص سازی اندام تناسلی زنان و ازدواج زودهنگام کودکان
۱۲	ازدواج زود هنگام و چند همسری
۱۵	ریشه های تاریخی ازدواج زود هنگام کودکان در ایران
۱۷	فصل دوم: عوامل جامعه شناختی
۱۸	سن
۲۰	سن ازدواج در چهارچوب جهانی
۲۲	قدرت دین
۲۴	انواع ازدواج
۲۶	بُعد سلامتی
۲۷	بُعد تحصیلی
۲۸	طلاق کودکان
۲۹	قوانین ازدواج در ایران
۳۴	فصل سوم: یافته های منطقه ای و نتایج پیمایش
۳۶	استان خراسان رضوی
۴۰	استان آذربایجان شرقی
۴۳	استان خوزستان
۴۵	استان سیستان و بلوچستان
۴۷	استان آذربایجان غربی
۵۰	استان هرمزگان
۵۱	استان اصفهان
۵۳	فصل چهارم: راهکارهای عملی

نسخه پیش رو خلاصه مفیدی است بر تحقیقی
جامع در مورد ازدواج زود هنگام کودکان در ایران،
که به زودی در قالب کتابی ۲۰۰ صفحه ای به چاپ
رسیده و در دسترسی خواهد بود

تقدیر و تشکر

از آن جا که شروع این تحقیق به دو سال پیش باز می‌گردد، زمان زیادی را به این مطالعه اختصاص دادم تا عطش درونی خود را برای دستیابی به دانشی عمیق تر در خصوص ازدواج زودهنگام کودکان در ایران فرونشانم. این دوره یک سفر شگرف و سرشار از یادگیری برای من در هر دوی زمینه های فردی و کاری بوده است. من این مطالعه را سفری میدانم که در آن غلیان احساسات در انتخاب ماهیت کار، به عنوان محرکی در تکمیل و انجام این تحقیق به من کمک کرد.

مطالعه در خصوص ازدواج زودهنگام کودکان ریشه‌های عمیقی در تحقیق قبلی ام^۱ در خصوص ختنه زنان در ایران دارد؛ زمانی که در سالها پیش و بعد از گذشت سال‌های مدید از اروپا به زادگاهم، کردستان ایران بازگشتم، همانطور که در اثر قبلی ام در سال ۱۳۹۴^۲، در خصوص ختنه ی زنان در ایران مشهود است کار میدانی و ارتباط با مردم کلید واقعی درک واقعی اجتماع است.

ایده‌ی اولیه‌ی این تحقیق در طول سالهای مطالعه‌ام در خصوص تحقیق ختنه‌ی زنان در ایران شکل گرفت^۳. من ازدواج کودکان را در برخی از نواحی روستایی ایران شاهد بودم و دریافتم که هر دوی مسائل ازدواج زودهنگام کودکان و ختنه‌ی زنان به نوعی با یکدیگر مرتبط بوده و گاهی به طور توأمان به عنوان خشونت علیه زنان اعمال می‌شوند. ختنه‌ی زنان و ازدواج کودکان در منطقه‌ی کردستان و حتی در بین بسیاری از خویشاوندان و خانواده‌ی من موضوعی بیگانه و نامأنوس نبوده است. در حین کار میدانی در خصوص ختنه‌ی زنان در ایران که در چهار استان با بیشترین شیوع ختنه‌ی زنان انجام شد^۴، متوجه شدم که تعداد زیادی از شرکت کنندگان در مصاحبه‌ها نوجوانانی بودند که در سنین بسیار پایین ازدواج کرده بودند. نه تنها این دختران کم سن و سال اکنون همسر و مادر بودند، بلکه شمار زیادی از پسر بچه‌ها نیز در جایگاه

^۱ <http://kameelahmady.com/>

^۲ احمدی، کامیل (۱۳۹۴)، به نام سنت، پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران، تهران، نشر شیرازه.

^۳ <http://www.aparat.com/v/2OyLi>

^۴ <http://kameelahmady.com/fa/fgm-in-iran>

پدري و شوهری ایفای نقش می‌کردند. این امر علاقه‌ی من را برای بیشتر دانستن در مورد ازدواج زودهنگام کودکان برانگیخت تا به این سؤال پاسخ دهم که آیا ارتباطی بین این دو پدیده وجود دارد یا خیر و خود را برای مطالعه‌ی بعدی ام-که اکنون با افتخار تقدیم می‌کنم- آماده‌ سازم. حجم انبوهی از اطلاعات در این مطالعه گردآوری شد و تحلیل کامل آنها تا کنون ادامه دارد و نهایت تلاشم بر این بوده است که این یافته‌ها را در کتابی به زبان‌های فارسی و انگلیسی بزودی منتشر سازم.

خبر خوب این است که نرخ ازدواج زودهنگام کودکان در بسیاری کشورها از جمله ایران رو به کاهش نهاده است. با این حال هنوز برای بالا بردن سن ازدواج و ریشه‌کن‌سازی کودک همسری اقدامات زیادی باید انجام شود.

من به همراه شماری از دیگر محققان هم‌فکر مایلیم که دست همکاری خود را به جانب دولت دراز و آمادگی خود را اعلام کنیم تا تلاشی ملی را در راستای بالا بردن آگاهی در مورد ازدواج زودهنگام کودکان در ایران رقم زنیم و کمک کنیم تلاش‌ها برای ریشه‌کن کردن ازدواج زودهنگام کودکان و بالا بردن سن ازدواج به سطوح عملی برسد، گفتمان بین‌عاملان مرتبط با آن برقرار شود و هر اقدامی با تعهدات حقوق بشری هماهنگ گردد.

دولت ایران یکی از امضا کنندگان توافقات بین‌المللی حقوق کودکان بوده است و باید سایر معاهدات معوقه را نیز در این زمینه به تصویب برساند و همچنین یک خط مشی عملی و جامع را برای مقابله با ازدواج زودهنگام کودکان طرح‌ریزی کند. چنین برنامه‌ای باید جامع باشد و تنها به موارد زیر محدود نگردد: (۱) تعهد و درگیر شدن چهره‌های اثرگذار کلیدی، محلی و دینی (با توجه به طبیعت حساس و فرهنگی این موضوع) (۲) طراحی و اجرای یک برنامه آموزشی ملی که بیش از هر چیز باید افزایش دهنده آگاهی در خصوص خطرات کودک همسری باشد و (۳) قوانین جدیدی برای افزایش سن ازدواج و حتی جرم شناختن آن مصوب گردد (برای مطالعه‌ی راهکارهای بیشتر به فصل چهار کتاب مراجعه نمایید).

دولت می‌تواند از طریق تجارب بین‌المللی مختلف و موفقیت‌های مقابله با کودک همسری از جمله برنامه‌های یونیسف و همچنین از طریق قابلیت‌های بالقوه‌ی انجمن‌های موجود از جمله NGOها و سازمان‌های محلی در ایران پیکار خود علیه ازدواج زودهنگام کودکان را آغاز کند.

در انجام این تحقیق لازم است که قدردانی و حق‌شناسی ام را به نسبت افراد بی‌شماری که مرا در این مطالعه و در این بازه‌ی زمانی حمایت کردند، ابراز دارم. مایلم از همین‌جا از شفق رحمانی که حمایت بی‌قید و شرطش هیچ‌گاه کاسته نشد و در تمامی مراحل سخت این کار، در کنار من ایستاد و همچنین از دوستان نزدیکی که مرا به ادامه‌ی این پروژه‌ی مطالعاتی تشویق کردند، تشکر کنم.

از همه‌ی افرادی که گرد هم آمدند و روایات این کار را گردآوری و تحلیل کردند تا از این طریق به ارائه‌ی این گزارش جامع نائل آیم، سپاسگزارم. از ویراستار انگلیسی زبانم لورن کانس برای حمایت های ویرایشی و اصلاحی نهایت تشکر می‌کنم. به خصوص قدردان دستیاران و همکارانم، فریبا الماسی و حمیرا ناز از پاکستان هستم که در تمامی مراحل تحقیق همراهم بودند و نه تنها به عنوان دستیار بلکه مترجم، محقق بخش میدانی و مشاور به من کمک کردند. به علاوه از سایر افرادی که خواستند نامی از آن‌ها در این کار برده نشود، برای همکاری و لطفی که طول اجرای این پژوهش داشتند، سپاسگزارم.

در سراسر این مطالعه افراد و سازمان های زیادی به ما در تکمیل این پروژه یاری رساندند. این مطالعه به خصوص در بخش کار میدانی، تنها با تحقیق اکتشافی، آموزش میدانی، حمایت و همکاری ایشان محقق شد. در این زمینه از فریبا الماسی و حمیرا ناز سپاسگزارم. از تمامی بستگان، دوستان در هفت استانی که کار میدانی تحقیق در آن‌ها انجام شد، به جهت حمایت، مهمان نوازی و نقطه نظرات بخردانه و پیشنهادهایشان متشکرم و از این طریق از تمامی افراد زیر نهایت تشکر را دارم:

از استان هرمزگان؛ شیرین تلنده، مولوی آمنه رستگار، احمد بساکی و خرم حافظی.

صادقانه از افرادی که در استان اصفهان از این پژوهش حمایت کردند، تشکر می‌کنم، خصوصاً گلینا حسین پور اصفهانی، جمیله هاشمیان، صادق همافر، عبدالقادر احمدی، مهتاب احمدپور.

در استان خراسان رضوی از کمک صمیمانه و گرم فاطمه بونصیری، مولوی علی رضا ایلخانی فرح آبادی، فرهاد اصلانی، نسرین صالحی و پریسا ارغیانی برخوردار شدیم. از ایشان سپاسگزارم.

این مطالعه مدیون همکاری و کمک افرادی از جمله صدیقه عاشقی، سید میر ابراهیم حسینی، داریوش دچانی و همسرش، پویا رستگار و امید رحمانی در استان آذربایجان شرقی است. در استان خوزستان منصور اسکندری، سیروس خانزاده، لیلا خوشکام، مجتبی گهستونی، نرگس ناظمی نیا، امیر هوشنگ عارفیان، عزت الله جعفری، کریم ابوخانی، مرضیه لرکی، سمندر ابودوله، زهرا خزاعل و فریبا زنگنه حمایت کنندگان با ارزشی برای این تحقیق بودند.

در استان سیستان و بلوچستان از دفتر مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی، حاج فیض الله ریگی، مولوی عبدالصمد محمدی جزینکی، عبدالباقی احمدی، رسول نام، مولود اسماعیل زهی و فرشته سربازی و در استان آذربایجان غربی، از ملاحسن واژی، شلیر فتاحی، محمد رسول آزین، کریم رحمان پور، ژینا تبسم، پروین عبداللهی و نازدار حسینی به خاطر همکاری بی‌مانندشان سپاسگزارم.

همچنین از لطف الله محسنی، کاظم علیزاده، منصور توکلی، مینا پوری، شیما قوشه، زیبا جلالی، مهتاب مردفرد، نورهیم آد لیس، فابین متیو، جان چوا، غزل آریان، کسری پهلوانی، محمد حسینی و پدram ورشویی برای حمایت من در رونمایی از این تحقیق نهایت قدردانی را دارم.

از تمام جامعه ی روحانیون، نهادهای دینی و سایر شخصیت های اجتماعی که در این تحقیق به ما مدد رساندند، سپاسگزارم و همچنین مایلم که از مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی و همکارانش، حاجی ملا حسن واژی، مولوی علی رضایلخانی فرح آبادی و همسر وی مولوی فاطمه بو نصیری، ملا رحمت الله، مولوی عبدالصمد محمدی جزیکی، حاج احمد پناهی، شیخ محمد تنو، علیرضا نوری و حاجی نور محمد محمدی برای سهم عظیمی که با همکاری شان در این تحقیق داشتند، سپاسگزار می‌کنم. همچنین از مولوی آمنه رستگار و مدرسه ی حوزه ی علمیه ی مشهد و روحانیون مراکز استانی آذربایجان شرقی و غربی و اصفهان صمیمانه تقدیر می‌کنم.

از آقای سیروس خانزاده و ملامحمد رسول آزین، که به عنوان رهبران دینی قومی و عشیره ای به ما اطلاعات مفیدی رساندند، تشکر می‌کنم. به طور ویژه از وزارتخانه‌ها و نمایندگان از جمله افراد مسئول در خدمات اجتماعی، بهداشتی و دانشگاه های علوم پزشکی قدردانی می‌کنم چراکه دانش و اطلاعاتشان را برای تکمیل این پروژه از ما دریغ نکردند، باشد که دولت را به دانشی کامل‌تر و جامع‌تر در خصوص ازدواج زود هنگام کودکان توصیه و تشویق نموده و اهمیت مبارزه با این مهم را بدانها یادآوری کنیم.

کامیل احمدی

۱۱ اکتبر ۲۰۱۶ مصادف با ۲۰ مهر ۱۳۹۵

روز جهانی دختر بچه ها و روز منع ازدواج زود هنگام کودکان

فصل اول:

ازدواج زودهنگام کودکان،
تعاريف و مفاهيم



" اينجايهمه زود ازدواج مي کنند.
وقتي عروسهاي ما باردار مي شوند و سونوگرافي مي کنند،
اگر بچه دختر باشد در شکم مادر او را
نامزد/ناف بر مي کنيم "

پاسخگوی مرد- ۴۰ ساله

روستای گیلک آباد (سراب)، آذربایجان شرقی

فصل اول: ازدواج زودهنگام کودکان، تعاریف و مفاهیم

از منظر شمار زیادی از افراد، کودک همسری یا ازدواج زودهنگام بر زندگی کودکان اثر گذاشته و آن را با تبعات آسیب زای سلامتی، پیچیده تر کرده و در هر سطحی از توسعه، رشد و تعالی فردی را تحت الشعاع خود قرار می دهد. ازدواج زودهنگام یا کودک همسری، به هر نوع ازدواجی اطلاق می شود که در زیر سن ۱۸ سالگی انجام شود^۵. این امر از هنجارهای سنتی و متعارف برخاسته و در هر دوی مناطق شهری و روستایی رواج دارد. توجه جهانی به این پدیده و تلاش های صورت گرفته در این زمینه موجب شده است سطح ازدواج زودهنگام به طور کلی روند کاهشی پیدا کند، هرچند درصد چشمگیری از کودکان هنوز در زیر سن قانونی جامعه ی خود ازدواج می کنند. یک مثال روشن و برجسته از این پدیده، جامعه ی ایران است.

مطالعات مستقل و معتبر چندانی در خصوص کودک همسری در ایران انجام نشده است و اطلاعات اندکی در این باره در دسترس است. آمار رسمی و دولتی ایران حاکی از این است که سالانه ده ها هزار دختر و پسر زیر سن ۱۵ سالگی توسط خانواده هایشان وادار به ازدواج می شوند. شمار واقعی این کودکان در حقیقت بالاتر از این آمارها است. بسیاری از خانواده ها در ایران ازدواج در سنین پایین را ثبت نمی کنند و یا به صورت غیررسمی به ثبت می رسانند. طبق گزارش انجمن حمایت از حقوق کودکان در ایران شمار دخترانی که در زیر سن ۱۵ سال ازدواج کرده اند از ۳۳۳۸۳ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۴۳۴۵۹ نفر در سال ۱۳۸۸ رسیده است؛ یعنی ۳۰ درصد افزایش در عرض سه سال. چنین افزایشی در نتیجه ی نگاه سنتی، فشارهای اجتماعی و فرهنگی، حمایت های دولتی و شرعی، ریشه دار شدن فقر و میل والدین به کنترل روابط جنسی دخترانشان بوده است. این مطالعه برای اولین بار قصد دارد که رواج کودک همسری در ایران را با تأکید بر عوامل مسلط اجتماعی-

^۵ صندوق کودکان ملل متحد، ازدواج کودکان: کودک همسران، فلورانس، ایتالیا: یونیسف (۱۳۸۰)

فرهنگی تحلیل کند؛ عواملی که بازتاب نابرابری‌های عمیق جنسیتی مؤثر در تداوم حیات این پدیده هستند. این مطالعه آن دسته از کودکان و افراد را مورد هدف قرار می‌دهد که قادر به اعلام رضایت کامل و آزادانه‌شان از اینکه با چه کسی ازدواج می‌کنند، نیستند زیرا الزامات جامعه مردسالارانه خلاف این امر را به آن‌ها دیکته می‌کند.

**"اینجا همه زود ازدواج می‌کنند.
وقتی عروسهای ما باردار
می‌شوند و سونوگرافی می‌کنند،
اگر بچه دختر باشد در شکم مادر
او را نامزد/ناف بر می‌کنیم"**

پاسخگوی مرد- ۴۰ ساله
روستای گیلک آباد (سراب)، آذربایجان شرقی

سازمان ملل متحد ازدواج کودکان را به هر نوع ازدواج در زیر سن ۱۸ سال قبل از اینکه دختر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت‌های زناشویی و بچه‌داری را داشته باشد، اطلاق می‌کند. بر همین مبنا در مواردی که کودک در زیر این سن ازدواج کند، ازدواج زودهنگام کودکان رخ داده است؛ ازدواجی که توسط پدر یا پدربزرگ کودک از جانب وی شکل گرفته و در آن توجهی به حداقل سن قانونی ازدواج نشده است. عامل اصلی مسئول در این قضیه افزایش سطح فقر، فقدان دانش و تحصیلات و

تبعیت از الزامات فرهنگ مردسالارانه و باورهایی است که به اشتباه واداشتن دختران به ازدواج‌های ناخواسته و زودهنگام را عاملی برای حمایت و محافظت از آنها می‌دانند. متأسفانه باوجود پیامدهای جسمانی و تبعیض نسبت به دختران جوان، قدم‌های اندکی برای خاتمه‌ی عمل ازدواج زودهنگام کودکان در ایران برداشته شده است.

مطالعات جامع و قابل اتکای بسیار کمی بر روی اثرات ازدواج زودهنگام به روی مردان انجام گرفته و ابعاد و آثار ازدواج زودهنگام بر پسران خردسال، حتی از جانب کارشناسان بین‌المللی‌ای که در مبارزه با ازدواج کودکان کار می‌کنند نادیده گرفته شده است. کمبود این داده‌های تجربی منجر به فقدان فاحش دانش در خصوص تنگناهای ازدواج برای پسران خردسال شده است. آن‌ها اغلب وادار به ترک تحصیل و اشتغال به کارهای سطح پایین می‌شوند تا از پس مسئولیت‌های خانواده‌ی جدید خویش برآیند. این نکاح و زناشویی پیش از بلوغ چرخه‌ی فقر را که از ابتدا علت شکل‌گیری ازدواج بوده است، تداوم می‌بخشد.



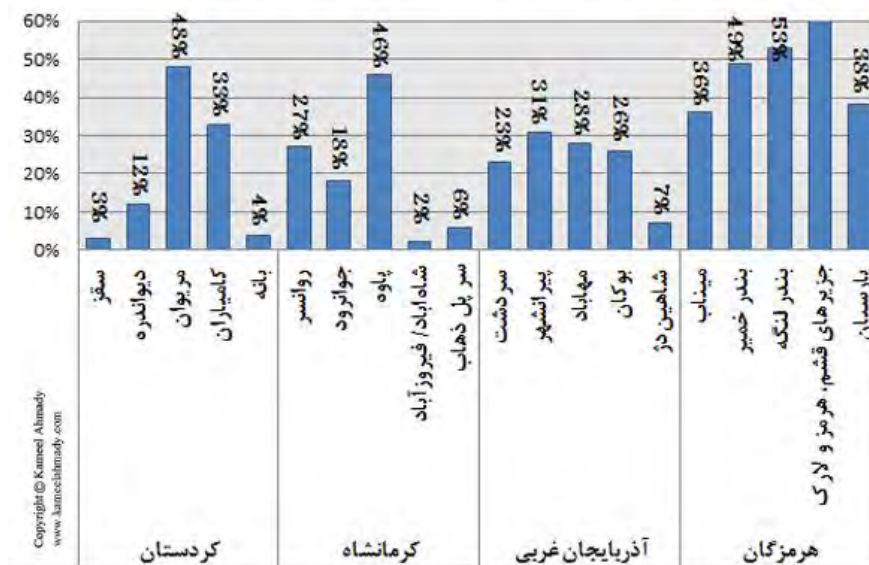
کودکان بلوچ چادر نشین در نزدیکی مرز پاکستان که در سنین نوزادی نامزد شده اند. عکس از: م. معارف وند

ختنه/ناقص سازی اندام تناسلی زنان و ازدواج زودهنگام کودکان

آنچه به طور مداوم از آن بحث شده، ارتباط پیچیده ی بین ازدواج زودهنگام کودکان و سایر اعمال زن ستیزانه مانند ناقص سازی اندام تناسلی است. یافته‌های پژوهش پیشین نویسنده در خصوص رواج ختنه زنان در ایران^۶ حاکی از همبستگی بین رواج این پدیده در چهار استان ایران است که در مطالعه ی اخیر بر برخی از این استانها تمرکز شده است. این مطالعه در هفت استان که بیشترین فراوانی ازدواج زودهنگام در آنها گزارش شده است، انجام شد؛ خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، هرمزگان و اصفهان. از این میان در دو استان هرمزگان و آذربایجان غربی درصدهای نسبتاً بالایی از وقوع ختنه زنان نیز وجود دارد.

^۶ احمدی، کامیل (۱۳۹۵)، به نام سنت: پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران، تهران، نشر شیرازه

در صد زنان مصاحبه شده که ختنه شده اند



در کشورهای توسعه نیافته و فقیرنشین، برجسته ترین اعمال آسیب زای سنتی و فرهنگی که بر حقوق زنان و دختران برای داشتن زندگی ای آزادانه خدشه وارد می کنند، ناقص سازی اندام تناسلی زنان و ازدواج زودهنگام هستند. هر یک از این رسوم به تنهایی مخرب اند، اما زمانی که هر دو باهم در یک زمینه ی واحد وجود دارند، شدت تخریب و ویرانگری آن ها نگران کننده است. در سراسر دنیا زنان و دختران بسیاری مجبور به تن دادن به زندگی همراه با تبعات ویرانگر هر دو ی ناقص سازی و ازدواج زودهنگام هستند. هر دو آنها از جمله ی هنجارهای قدرتمندند. هر دو از جانب مفاهیم زمان و سنت حمایت می شوند. هر دو اعمال ریشه دار سنتی هستند. هر دو انحراف از حقوق زنان و دختران اند^۷ و هر دو برخلاف تمایل و انتخاب شخصی به فرد تحمیل شده اند.

یکی از اصول عقلانی عمده در ناقص سازی زنان در جوامع سنتی این است که این عمل آنها را برای ازدواج آماده می سازد^۸ زیرا تضمینی برای باکرگی دختر است. واقعیت تلخ این است که مردان نیز خود خواستار پدیده ی ختنه ی زنانند و ممکن است از قبول دختری که باکرگی اش از طریق ختنه شدن ضمانت نشده سرباز زنند یا مهریه اش را نپردازند. در اینجا ختنه شدگی گواه باکرگی عروس آینده است که ضمانت

^۷ ازدواج کودکان/ حمایت از کودکان در مقابل خشونت. www.unicef.org/protection.
^۸ پشت رسم ختنه ی زنان چه می گذرد؟ www.african-women.org/documents/behind-FGM-tradition.pdf

می کند وی هرگز قبل از ازدواج با کسی رابطه ی جنسی نداشته است. با وجود این تضمین و اطمینان، مردان به ازدواج با او راغب ترند و مایلند پول بیشتری به خانواده ی دختر در ازای وی بپردازند.^۹

رضایت در ازدواج ترتیب داده شده ی زودهنگام نیز محل شک است^{۱۰}، زیرا تقریباً همیشه موضوع ساز رضایت کامل و آزادانه و اینکه آیا آن دختران خردسال تمامی حقایق و اطلاعات کافی در خصوص ازدواج را دریافت داشته اند یا خیر، محل بحث بوده است. در کشورهای در حال توسعه یک سوم دختران زیر سن ۱۸ سالگی و از هر ۹ دختر، یک نفر قبل از رسیدن به ۱۵ سالگی ازدواج می کنند^{۱۱}. آنها به معنای کلمه، به بردگان جنسی خردسال تبدیل می شوند^{۱۲}. ازدواج زودهنگام کودکان مطابق عرف توسط خانواده ی کودک ترتیب داده می شود و اغلب شامل قول و قرارهای توافقی بین خانواده ها در زمانی است که خود کودکان جوانتر از آن هستند که در مورد این وصلت ها تصمیمی بگیرند. در هر دو پدیده ختنه زنان و ازدواج زودهنگام، رضایت از جانب دیگران به جای خود فرد لحاظ شده است. در برخی کشورها ناقص سازی اندام تناسلی زنان، ازدواج زودهنگام کودکان را به عنوان نتیجه در پی دارد. در برخی موارد در جوامع سنتی ازدواج کودک بعد از وقوع ختنه روی داده است^{۱۳}.

ازدواج زود هنگام کودکان و ناقص سازی دستگاه تناسلی زنان از جمله ی پابرجاترین دشمنان منزلت و امنیت یک زنند که همزمان دارای دو قدرت محافظت- تسلط مردانه و نگهداشت سرکوبگری زنانه است. هر دو خشونت بر مبنای جنسیت را در زیر نقاب سنت هایی تقویت می کنند که در طول زمان در درون یک فرهنگ مرد سالارانه شکل گرفته اند. با در نظر داشتن اینکه این دختران اول ختنه شده و سپس ازدواج کرده اند، رسیدن به این استنباط غم انگیز که ختنه ی زنان راه ازدواج زود هنگام کودکان را هموار می کند، اجتناب ناپذیر می نماید.

^۹ ناقص سازی اندام جنسی زنان. www.forwarduk.org.uk 2014/12

^{۱۰} ازدواج های اجباری، محافظت از کودکان، حقوق کودکان. www.protectingchildren.org.uk/.../forced-marriage

^{۱۱} ازدواج کودکان، واقعیات و اشکال. www.icrw.org ,

^{۱۲} هیلاری بوراگ (۱۳۹۴)، ریشه کن سازی ختنه ی زنان: از دیدگاه بریتانیا، ص ۵۳

^{۱۳} ازدواج کودکان و نقض حقوق بشر در تانزانیا www.hrw.org/report/2014/10/29/no-way-out/child...

ازدواج زود هنگام و چند همسری

"تک همسری" به پیوند زناشویی میان تنها دو نفر گفته می شود و در مقابل "چند همسری" قرار دارد که در آن ازدواج با همسران متعددی صورت می گیرد^{۱۴}. چنین وصلت هایی معمولاً بیشتر در میان زنان ۲۰ درصد فقیر جامعه رخ می دهد تا زنان ۲۰ درصد طبقه ی بالای جامعه. کم سوادى به شدت با عمل چند همسری دارای همبستگی است.



چند همسری در برخی از استانها رایج است. عکس از: کامیل احمدی

زمانی که چند همسری را از منظر ازدواج کودکان بنگریم، این رسم به عنوان مجوزی برای بی بند و باری جنسی و انحراف فاحش از حقوق زنان جلوه می نماید. چند همسری و ازدواج زود هنگام به معنای زندگی ای مالمال از تبعیت جنسی، بردگی اقتصادی و انجام حجم زیادی از کارهای سنگین خانگی است. اثرات مخرب کودک همسری و چند همسری با وجود حقایق زیانبارش نادیده انگاشته می شود. دامنه ی تبعات منفی آن از ترک تحصیل و سد هرگونه فرصت گرفته تا کسب مهارت های زندگی و شغلی، تحلیل رفتن سلامت بهینه و پایان دورانی از زندگی است که به اقتضای سن الفت و محبت زناشویی می توانست پیش بیاید.

ریسک بالای سوء استفاده ی جنسی اغلب در مواردی دیده شده که دختر به همسری مردی داده شده که او نیز مانند خودش خردسال است. با عطف به خردسال بودن داماد، بدیهی است که دختر قادر نیست از

^{۱۴} هارپر، داگلاس، چندهمسری، واژه نامه ی ریشه شناسی آنلاین. اقتباس از نسخه ی اصلی در ۱۲ بهمن ۱۳۹۴.

محافظت های لازم برخوردار باشد، و این امر او را شدیداً در معرض آسیب های خشونت، سوء استفاده های جنسی و بی احترامی از جانب مردان بزرگتر خانواده مانند پدر شوهر، برادران شوهر و عموها قرار می دهد.^{۱۵} بسیاری از دختران با تصمیم گیری های اجباری، شانس های پایین آمده ی زندگی و تغییرات سریعی روبه رو می شوند که آنها را از دختر بچه ای که هم اکنون یک همسر خردسال است به یک مادر خردسال تبدیل می کند. عمل فراگیر چند همسری دختران خردسال یک جنبه ی منحط از چند همسری است. ازدواج زود هنگام کودکان راه روایت چند همسری را هموار می کند.

کودک همسری یک مسئله ی جهانی است که می تواند در هر گوشه ی دنیا، از خاورمیانه گرفته تا آمریکای لاتین، آسیای جنوبی و اروپا یافت شود. تحقیقات نشان می دهند این امر نه تنها در بسیاری نواحی دنیا رخ می دهد، بلکه افرادی که آن را اعمال می کنند با روی گشاده و رضایت قلبی انجام می دهند زیرا چنین رسومی جایگاهی اجتماعاً پذیرفته شده دارند.^{۱۶} طبق گزارشی از سازمان "دختر، نه عروس"، اگر روند ازدواج کودکان کاهش نیابد، آمار جهانی ازدواج کودکان به ۱,۲ میلیارد مورد در سال ۱۴۲۹ خواهد رسید.^{۱۷}

بر اساس گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل، در کشورهای در حال توسعه از هر سه دختر یک نفر در نوجوانی ازدواج می کند، که معادل ۳۴ درصد از جمعیت این گروه سنی می باشد. با در نظر داشتن این روند، چنین تخمین زده شده است که تا سال ۱۳۹۹، ۱۴۰ میلیون دختر در زیر سن ۱۸ سال و ۱۵ میلیون نفر از آنها زیر ۱۵ سال ازدواج خواهند کرد. هر ساله ۱۴ میلیون و هر روزه ۳۹ هزار دختر ازدواج می کنند. در کشورهای در حال توسعه از هر ۹ دختر، یک نفر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سالگی متاهل می شود.

سالانه ۷,۳ میلیون دختر زیر ۱۸ سال فرزند به دنیا می آورند و از میان آنها ۲ میلیون نفر زیر ۱۴ سال سن دارند. به لحاظ آماری مرگ و میر مادران در حین زایمان در میان زنانی که زیر از سن ۲۰ سالگی زایمان کرده اند، ۵۰ درصد بالاتر است. هر ساله ۷۰,۰۰۰ نفر از این نوزادان اندکی پس از تولد می میرند و ۳,۲ میلیون کودک مجبور به سقط جنین می شوند.

گزارش یونیسف نیز گفتمان خشونت خانگی را تایید کرده و مطرح می کند که شرایط نابسامان خانگی باعث می شود دختران از همسرانشان فرار کنند. عملی که به شدت مذموم بوده و در آسیای جنوبی، به خصوص در کشورهای مسلمان نشین از جمله گناهان بزرگ به حساب می آید. شماری از این دختران که سعی می کنند از این وصلت های ناخواسته و اجباری فرار کنند، در معرض خشونت های آبرومحورانه قرار

^{۱۵} جوتسنا چاترجی (۱۳۸۴)، پایان ازدواج کودکان، گزارش رایزنی، برنامه های مشترک زنان، دهلی جدید، هند

^{۱۶} جافنی ریس (۱۳۹۰)، حقوق بین الملل به عنوان ابزاری برای مبارزه برای ازدواج کودکان. مجله ی بین المللی حقوق بشر، شماره ۱۵ (۳)،

ص ۳۵۹-۳۷۳. doi:10.1080/13642980903315398

^{۱۷} <http://www.girlsnotbrides.org/about-child-marriage/>

می گیرند زیرا به باور مردم از آبرو و عزت خانواده عدول کرده اند. خانواده ها درون فرهنگ های خاص خود چنین رفتارهای قبیحی را با بد رفتاری با دختران و در نهایت امر، با "قتل ناموسی" پاسخ می دهند

کاملاروپ (۱۳۸۶)، ژورنالیست نیپالی، از اثرات آسیب زای تجربیات یک دختر نوجوان در ازدواج زود هنگام بحث می کند. به اعتقاد وی، کم سواد، بارداری زود رس، مشکلات سلامتی، روابط جنسی اجباری، عدم پذیرش آزادی و توسعه ی فردی، طلاق زود هنگام و مطرود سازی بیشتر دامن گیر دختران می شود زیرا آنها هنوز کودک، آسیب پذیر و سلطه پذیر هستند^{۱۸}

در اینجا توجه به تناقض روند های ازدواج در ایران جالب توجه است، روند ازدواج در ایران یک مقیاس دو قطبی است. در یک طرف این قطب، جمعیت جوان و فعال و اغلب شهرنشین قرار دارد که ازدواج را به میانسالی به تاخیر می اندازد و از طرف دیگر قطب، به دختران و پسران خردسالی می رسیم که هدف یا قربانیان کودک همسری هستند. عواملی مانند توسعه ی نسبی و تدریجی، اکتساب سبک زندگی مدرن و داشتن رابطه های خصوصی و مشکلات اقتصادی فردی نسل جوان را وادار به موکول سازی ازدواج به سنین بالاتر کرده است. قوانین سخت گیرانه در ایران در خصوص حقوق فردی، آبروی خانوادگی و امیال جنسی منجر شده است که ازدواج شکل مقبول درگیری در روابط جنسی باشد. داشتن مقاربت جنسی خارج از روابط زناشویی مسأله ساز است، به خصوص از این لحاظ که راه دیگری برای برطرف کردن این نیاز ها برای بسیاری از افراد وجود ندارد. افراد توسط سیستم و خانواده تشویق می شوند که در سنین بسیار پایین ازدواج کنند تا به نگهداشت نظم اجتماعی و نظام کنترل اجتماعی کمک کنند.



ترویج ازدواج و سیاستهای اخیر رشد جمعیت. عکس از: کامیل احمدی

^{۱۸} کاملاروپ (۱۳۸۶)

بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، قوانینی که از ازدواج زود هنگام کودکان جلوگیری می کرد، مخالف دین و شریعت اسلامی تشخیص داده شدند. در بسیاری از قوانین مربوط به ازدواج تجدید نظرهایی به عمل آمد و ازدواج زود هنگام مجاز شد.

نرخ طلاق نیز در ایران در گروه سنی ۱۰ الی ۱۸ سال به طرز قابل توجهی بالاست. طبق آخرین داده های جمعیت شناختی ۲۱،۱۴۹ دختر و پسر زیر ۱۸ سال در سال ۱۳۹۳ طلاق گرفته اند.

ریشه های تاریخی ازدواج زود هنگام کودکان در ایران

ایران به عنوان یک کشور خاورمیانه ای همواره بخشی از زندگی مشابه فرهنگی سایر کشورهای خاورمیانه ای بوده است، مانند جهان عرب. کشورهای عربی در نواحی استوایی واقع شده اند، جایی که دمای بالا از علل اصلی بلوغ زود رس در میان دختران و پسران جوان است و این امر دلیل کافی ای برای تبدیل شدن ازدواج کودکان به یک رسم اجتماعی مقبول می باشد که مورد تأیید روحانیون و رهبران دینی ست. ازدواج زود هنگام در اقلیم گرمسیری از این جهت توجیه می شود که رشد بدن سریعتر و حتی میل جنسی نیز بیشتر است.

گرچه ایران یک کشور عربی نیست، اما اشتراکات دیرینه و عمیقی با جهان عربی اسلام دارد. قانون ایران بر مبنای قوانین قدیمی و ایستای اسلام نگاشته شده است و برخلاف اقوامی چون کرد، ترک، بلوچ، لر و غیره در ایران که هنوز موفق به گرفتن حق تدریس زبان خود در مدارس به عنوان یک ماده ی درسی نشده اند، عربی زبانی ست که در مدارس تدریس می شود. در نتیجه برای فهم ریشه های تاریخی کودک همسری، توجه به حساسیت و پیچیدگی جهان غرب ضروری می نماید.

فصل دوم:

عوامل جامعه شناختی



" تو کارون اکثر ازدواج ها عشیره ای و فامیلی هست. زینب مجبور شد خیلی زود شوهر کنه تا به پسر عموی عقب افتاده اش ندنش. ما باید رسم قدیم رو داشته باشیم چون توی خون و رگمونه و باید باشه. مادر شوهرِ دخترم، خواهر منه. درسته دخترم بچه ست ولی باید دو سه تا بچه داشته باشه تا زندگی رو بفهمه. نگو مجبورم! بگو وظیفه مه! "

مادر زینب، ۴۲ ساله

کارون، استان خوزستان

فصل دوم: عوامل جامعه شناختی

ازدواج یک پیمان رسمی و اجتماعی پذیرفته شده یا قراردادی قانونی بین زوجین است که حقوق و تعهداتی را بین آنها، فرزندان‌شان و خانواده‌هایشان برمی‌انگیزد. گرچه تعریف ازدواج از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است، اما اصولاً یک نهاد فرهنگی جهانی تعریف شده است که در آن روابط بین فردی ادغان می‌شود.^{۱۹} در جوامع باستانی و قرون وسطایی ازدواج دختران یا نامزد شدنشان قبل از بلوغ متداول بود.^{۲۰} در اسرائیل باستان توافق قراردادی بر روی دختر جوان، یک امتیاز عامه پسند برای پدر دختر تلقی می‌شده است. آنها قبل از سن ۱۵ سالگی و اغلب به محض بلوغ شوهر داده می‌شدند.^{۲۱} مطالعات نشان می‌دهند که ارجاعات فراوانی به کودک همسری در ادبیات قرن شانزدهم و سایر منابع شده است، به این معنا که ازدواج کودکان به طوری رایج بوده که عملاً در قالب یک هنجار در آمده بود و یک دختر دوازده و نیم ساله از تمامی جوانب و زوایا در نظر مردم یک بزرگسال در نظر گرفته می‌شد.^{۲۲} در یونان، ازدواج زود هنگام و مادر شدن دختران نوجوان مورد تشویق قرار می‌گرفت.^{۲۳} در رم باستان از پسران انتظار می‌رفت در نوجوانی ازدواج کنند، یعنی دختران در سن ۱۲ سالگی به بالا و پسران ۱۴ سالگی به بالا متأهل می‌شدند.^{۲۴} در قرون وسطی، بر اساس قانون مدنی انگلیس ازدواج زیر ۱۶ سالگی متداول بود. همچنین در امپراطوری چین نیز ازدواج زود هنگام اتفاق می‌افتاد.^{۲۵} تنها از قرن بیستم به بعد بود که ازدواج زود هنگام کودکان مورد سؤال قرار گرفت. متوسط سن اولین ازدواج افراد در بسیاری از جوامع بالا رفت و بسیاری کشورها حداقل سن ازدواج را افزایش دادند.

^{۱۹} ویلیام هاویلند، پرنسهرالد و همکاران (۱۳۹۰)، مردم‌شناسی فرهنگی: چالش انسان (چاپ سیزدهم)

^{۲۰} آگلیکی لو (۱۳۷۱)، اجبار به رابطه‌ی جنسی و ازدواج در جوامع قرون وسطایی و باستانی، واشنگتن دی سی، ص ۵۸-۱۹۰

^{۲۱} فریدمن. ام (۱۳۵۸)، ازدواج یهودی در فلسطین، جلد اولف هم‌اندیشی نظری یهودیت در امریکا

^{۲۲} راث لمدن (۱۳۸۰)، مردمان جداگانه: زنان یهودی در فلسطین، سوریه و مصر در قرن شانزدهم، ص ۴۷

^{۲۳} نانسی دمند (۱۳۷۳)، تولد، مرگ، مادرانگی در یونان باستان، انتشارات دانشگاه جان هاپکینز، ص ۱۰۱-۱۰۴.

^{۲۴} دال، جی بی (۱۳۸۹)، ازدواج زود هنگام نوجوانان و فقر آیندگان، مجله جمعیت‌شناسی ف شماره ۴۷: ۶۸۹-۷۱۸.

^{۲۵} ژائو. زی (۱۳۷۵)، نظام‌های جمعیت شناختی در چین باستان: یافته‌های جدید از پژوهشی نوین، مجله‌ی انجمن جمعیت استرالیا

سن

بسیاری از حوزه های قضایی، یک حداقل سنی را برای ازدواج تعیین می کنند، به این معنا که فرد باید به سن خاصی (معمولاً ۱۸ سال) رسیده باشد تا بر اساس قانون اجازه ی ازدواج به وی داده شود. سنی که در آن فرد به لحاظ قانونی می تواند ازدواج کند، با سن رضایت^{۲۶} فرق دارد. در دستگاه های قضایی ای که سن قابلیت ازدواج از سن رضایت به ازدواج پایین تر است، قوانین معمولاً در مواردی که یکی از زوجین زیر سن رضایت قرار دارد، آن را نادیده می گیرد و قانون سن ازدواج به قانون سن رضایت ارجحیت دارد. سایر سیستم های قضایی دیگر هم شکل های مختلف رابطه ی جنسی خارج از ازدواج را صرف نظر از سن رد و منع می نمایند.

ازدواج کودکان یک واقعیت ترسناک جهانی برای بسیاری از دختران نوجوان است که در نتیجه ی وجود عواملی چون مفاهیم آبرو و افتخار، دیدگاه های انحرافی به جنسیت، فقر مفرط، متلاشی شدن زیر بنای خانوادگی، کم سواد، فرصت های شغلی اندک، جنگ و کشمکش به حیات خود ادامه داده است. زیر ساخت های ضعیف و خشونت و تعرض های جنسی که به خودی خود احتمال ازدواج زود هنگام کودکان را تقویت می کند، در زمان جنگ و نبرد های مسلحانه شدید تر می شوند. مداخلات انسان دوستانه و مبتکرانه ی امدادی، معمولاً در معرض خطر ازدواج زود هنگام بودن دختران خردسال را در حین جنگ و ناآرامی ها نادیده می گیرند. در چنین شرایطی، کودک همسری یک واقعیت است^{۲۷}.

زنان و دختران جوان که خود را در میانه ی جنگ های مسلحانه و در مسیر شبه نظامیان گروه های افراطی مانند شبه نظامیان بوکوحرام و دولت اسلامی می بینند، با غلبه ی موحش خشونت مبتنی بر جنسیت مواجه می شوند؛ خشونت که از جانب این گروه های افراطی به عنوان تاکتیک ترور بکار گرفته می شود. رسانه ها گزارشات دلخراشی از تجاوز، بردگی جنسی و ازدواج کودکان که توسط افراط گران اعمال شده است، از جمله دادن دختران جوان به همسری به عنوان هدیه به جنگجویان نظامی، منتشر کرده اند. با بالا رفتن احتمال خشونت های مبتنی بر جنسیت در زمان جنگ و ناآرامی، خانواده ها به ازدواج زودهنگام فرزندان شان به عنوان راهی برای محافظت شان از باری که نظامی گری ها بر دوش زندگی زنان و دختران قرار می دهد، متوسل می شوند^{۲۸}.

^{۲۶} سن رضایت به رابطه ی جنسی به سنی اطلاق می شود که در آن فرد به لحاظ قانونی قادر به رضایت به انجام آمیزش جنسی می باشد، یعنی سن حداقلی که یک فرد در آن قانوناً اجازه ی ورود به روابط جنسی را دارد.

^{۲۷} علل، پیامدها و راهکارها... www.icrw.org/files/images/Causes-Consequences...

^{۲۸} وضعیت های ناپایدار، زندگی های ناپایدار: ازدواج کودکان. www.girlsnotbrides.org/fragile-states-fragile-lives

- در نواحی متأثر از جنگ مثلاً افغانستان، برون‌دی، اوگان‌دای شمالی یا سومالی دختر ممکن است به همسری یک فرمانده یا یک شخصیت صاحب منصب دیگر درآید که می‌تواند تضمین کند او و خانواده اش در طول جنگ در امنیت باقی می‌مانند.

- در سوریه بیش از نیمی از ۲,۵ میلیون سوری پناهجوی تخمین زده شده، در زیر سن ۱۸ سال قرار دارند. به نقل از زنان و دختران پناهجو، ترس از تجاوز یکی از علل عمده ی مهاجرت از سوریه است.^{۲۹} موارد زیادی از ازدواج دختران سوری که جهت تأمین درآمد خانواده های فقیر پناهجویشان ازدواج کرده اند، گزارش شده است.^{۳۰}

- یکی از نتایج مطالعه حاکی از این بود که قبل از جنگ از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲، نرخ باروری نوجوانان در عراق، به میزان ۷۰ زایمان در هر ۱۰۰۰ دختر در فاصله ی سنی ۱۵ الی ۱۹ سال ثابت بود با این حال به محض شروع جنگ، نرخ باروری نوجوانان به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافت و به ۹۵ زایمان در هر ۱۰۰۰ دختر در سال ۱۳۸۹ رسید. بر اساس یافته های تحقیق کتورلی، دلیل پشت پرده ی این افزایش نرخ باروری، افزایش ازدواج زودهنگام کودکان در میان کم سوادترین قشر دختران بود.

- گزارشات به دست آمده از کمپ های پناهجویان در اردن، نشان دهنده احتمال فزاینده ازدواج دختران جوان با مردانی بسیار بزرگ تر از خودشان است. آنها بر این باورند که چنین مردانی می توانند حمایت مادی و ثبات را برای آنها فراهم کنند.^{۳۱}

بی رحمانه اینکه ازدواج زودهنگام کودکان برای پناهجویان یک فایده دارد. بسیاری از دختران نوجوان با ازدواج زودهنگام با شوهران اردنی‌شان به این فرصت دست پیدا می کنند که حمایتی ایمن برای خود بیابند؛ حمایتی که به دختر و خانوادهاش اجازه می دهد به خارج از کمپ نقل مکان کنند.^{۳۲}

- نظامی گری حکومت اسلامی داعش یکی از خوفناک ترین جنایات علیه کردهای یزیدی در عراق بود که داستان هایی از اسلام آوری های اجباری مذهبی و ازدواج زودهنگام کودکان را روایت می کند.^{۳۳} اساساً

^{۲۹} لیزا دیویس (۱۳۹۲)، در جستجوی پاسخگویی و جواب‌های کارا برای خشونت بر مبنای جنسیت علیه زنان سوری: شمول زنان در جریان صلح. <http://www.peacewomen.org>

^{۳۰} شیرا فرنکل (۱۳۹۳)، دختران نوجوان سوری به ازدواج‌های اجباری فروخته‌شده تا خانواده‌هایشان را نجات دهند. <http://www.buzzfeed.com>

^{۳۱} لیزا دیویس (۱۳۹۲)، در جستجوی پاسخگویی و جواب‌های کارا برای خشونت بر مبنای جنسیت علیه زنان سوری: شمول زنان در جریان صلح. <http://www.peacewomen.org>

^{۳۲} سازمان نجات کودکان (۱۳۹۳)، جوان‌تر از سن ازدواج: مشکل رو به رشد ازدواج کودکان در میان دختران سوری در اردن. <http://www.savethechildren.org>

^{۳۳} iraq-forced-marriage-conversion-yezidiwww.hrw.org

اسیرهای یزیدی با هم نگه داشته می شدند اما در نهایت داعش به صورتی سیستماتیک زنان جوان و دختران نوجوان را از خانواده هایشان جدا می کرد. ازدواج زودهنگام کودکان به سرعت رخ می داد. طوری که بسیاری از دختران مجبور به ازدواج با جنگنده ها و نظامیان حکومت اسلامی داعش می شدند^{۳۴}. همانطور که در جنگ و کشمکش ها امری معمولی ست، این زنان محبوس به عنوان بردگان جنسی و غنائم جنگی دیده می شدند. زنان و دخترانی که اجباراً به اسلام گرویده بودند به عنوان عروس فروخته می شدند و کسانی که از این امور سرپیچی و امتناع می کردند، شکنجه و مورد تجاوز واقع شده و در نهایت به قتل می رسیدند^{۳۵}.

سن ازدواج در چهارچوب جهانی

بسیاری از نظام های قضایی حداقلی را برای سن ازدواج در نظر می گیرند به این معنا که شخص باید به این حداقل سنی ۱۸ سالگی برسد تا قانوناً اجازه ی ازدواج داشته باشد. سنی که در آن یک شخص قادر است به طور قانونی ازدواج کند می تواند از سن رضایت به رابطه ی جنسی متفاوت باشد. در آن نظام های قضایی ای که سن ازدواج پایین تر از سن رضایت به رابطه ی جنسی است، هنگامی که یکی از زوجین یا هر دوشان زیر سن رضایت قرار دارند، قوانین ازدواج معمولاً قوانین سن رضایت از رابطه ی جنسی را تحت شعاع خود قرار می دهند. بعضی از سیستم های قضایی کلیه روابط جنسی خارج از ازدواج را بدون در نظر گرفتن سن ممنوع کرده اند.

گزارش یونیسکو حاکی از این است که بین ازدواج زودهنگام کودکان و زایمان زودرس در کشورهایی که ازدواج کودکان رایج است، رابطه بسیار قوی ای وجود دارد. برای مثال صرفاً در آسیا و نواحی اقیانوسیه سالانه نزدیک شش میلیون نوزاد از مادران نوجوان متولد می شوند^{۳۶}.

در ممالک متحده ی بریتانیا، ازدواج زن و مردی که هر دو بالای سن ۱۶ سال قرار دارند، یا مجرد، بیوه یا مطلقه هستند، قانونی اعلام شده است. افراد جوانی که ۱۶ یا ۱۷ سال دارند، باید رضایت والدین خود را برای

^{۳۴} ازدواج اجباری در عراق، معاهده ای برای ازدواج های اجباری یزیدیان

^{۳۵} بحران ممالک اسلامی: خشم یزیدی ها از مردم فراموش شده ی عراق. بی بی سی. ۱۳۹۳/۱۰/۰۲

^{۳۶} یونسکو، ازدواج زودهنگام و زایمان زودرس: دیر برای اسباب بازی و زود برای بچه داری.

این کار جلب کنند^{۳۷}. حداقل سن قانونی ازدواج در بسیاری از کشورها در غرب بین ۱۶ تا ۱۸ سال قرار دارد هرچند نامزد شدن در شرایط توافقی، در سنین پایین‌تر هم دیده شده است^{۳۸}.

اگر چه سن دقیق ازدواج از کشوری به کشور دیگر متغیر است، اما در غرب عمدتاً این سن است که یک مانع و محدود کننده ی برقراری روابط جنسی، با قرار دادن یک حداقل قانونی سنی برای رضایت به رابطه ی جنسی به حساب می آید. بعد از رسیدن به این حداقل سن قانونی، روابط جنسی مجاز تلقی می شوند. اتیوپی در ماده ی ۲۰۰۰ قانون خانواده اش حداقل سن قانونی ازدواج را به ۱۸ سالگی تغییر داد و رضایت کامل و آگاهانه هر دوی زوجین را به ازدواج الزامی کرد.

در کویت و لیبی سنی که در آن زنان ازدواج می کنند به طرز معنی دار و چشمگیری افزایش یافته است. نزدیک ۴۰ درصد زنان ۱۵ الی ۱۹ ساله در لیبی و کویت در دهه ۱۳۴۹ ازدواج کرده بودند اما تا میانه ی دهه ی ۹۰ آمارهای مربوطه گواه این بود که فراوانی این ازدواج ها به ۱ و ۵ درصد رسیده است^{۳۹}.

بسیاری از کشورهای مسلمان مثل الجزایر، عمان و تونس سن ۱۸ سالگی را به عنوان حداقل سن ازدواج تعیین کرده اند^{۴۰}. عربستان سعودی یکی از ۷۴ کشوری است که حداقل سن قانونی را برای ازدواج قرار نداده است زیرا در چنین کشورهایی بلوغ فیزیکی نشان و حایل بین کودکی و بزرگسالی در نظر گرفته می شود^{۴۱}.

موارد ازدواج کودکان و ازدواج اجباری به بحث ها و جنجال های مطبوعاتی و عمومی در این باره ختم شده است. طوری که این بحث ها و جنجال ها در یمن باعث شد که حکومت این کشور حداقل سن قانونی ازدواج را هم برای دختران و هم پسران ۱۸ سال اعلام کند^{۴۲}. در ۱۳۹۵ مجلس گواتمالا بالا بردن سن قانونی

^{۳۷} راهنمای گزارش (۱۳۹۲)، ازدواج کردن، چاپ ۱۳۹۱/۱۰/۲۷. Retrieved from http://www.adviceguide.org.uk/england/relationships_e/relationships_living_together_marriage_and_civil_partnership_e/getting_married.htm

^{۳۸} حسین الحکم و کنت مک لافلین، ازدواج‌های محل گفتگو: ازدواج و وصلت کودکان در عربستان سعودی، مجله‌ی ازدواج و خانواده. <http://dx.doi.org/10.1080/01494929.2016.1157119>

^{۳۹} راشد، اچ و همکاران (۱۳۸۹)، ازدواج در جهان عرب، واشنگتن دی سی: دیوان منابع جمعیتی، ریچ. ای (۱۳۶۵)، خون و نان و فقر.

^{۴۰} هرمانسم. ام (۱۳۹۲)، جوانان مسلمان و هویت دینی: چالش‌های رویکردهای سنتی معاصر، انگلستان، انتشارات دانشگاه کمبریج. ص ۱۱۹-۱۳۴.

^{۴۱} حسین الحکم و کنت مک لافلین، ازدواج‌های محل گفتگو: ازدواج و وصلت کودکان در عربستان سعودی، مجله‌ی ازدواج و خانواده. <http://dx.doi.org/10.1080/01494929.2016.1157119>

^{۴۲} ابودایه، اس (۱۳۹۳)، قانون یمن در مورد کودک عروسان و ختنه‌ی زنان در فرایندی گسترده‌تر، نشر گاردین ۱۳۹۳/۰۷/۱۹.

<http://www.theguardian.com/global-development/poverty-matters/2014/may/06/yemen-child-brides-fgm-rights-act-law>

ازدواج به ۱۸ سال را تصویب کرد^{۴۳}. در سال ۱۳۹۱ مالوی این سن را هم برای دختران و هم پسران به ۱۸ سال رساند^{۴۴}. در سال ۱۳۹۳ مسئولین بنگلادشی اعلام کردند که هر شخصی که با یک دختر خردسال زیر سن ۱۸ سال ازدواج کند به ۲ سال زندان محکوم می شود^{۴۵}. در ماه ژوئن ۱۳۹۵ هر دوی کشورهای گامبیا و تانزانیا پایان ازدواج زودهنگام کودکان را با مجازات حبس کسانی که چنین اقدامی را ادامه می دهند، اعلام کردند.

در کنار جریانات هوشیار کننده و امید بخش در زمینه ی مصوب کردن قوانین ذکر شده در بالا کشمکش هایی علیه چنین شیوه هایی وجود داشته که به خودی خود مشکل ساز بوده اند. در ترکیه، کشور همجوار ایران، مجلس قانون اساسی این حکم را که تمامی اعمال جنسی در ارتباط با کودکان زیر ۱۵ سال، تجاوز یا سوء استفاده ی جنسی نیستند، صادر کرد. بر اساس این مصوبه کودکان در سنین ۱۲، ۱۳ و ۱۴ سال به عنوان یک جامعه ی اقلیت، دیگر حمایت قانون را از دست دادند زیرا بر اساس قانون رضایت آنها نسبت به فعالیت جنسی مورد غفلت قرار می گیرند^{۴۶}.

قدرت دین

بسیاری از ادیان در تعیین سن ازدواج دخیل هستند. دین با قدرت مسلطش بر کنترل هنجارها و شکل دادن به فرهنگ، یک عامل اثرگذار و چشمگیر برای مردمی است که آن را سرلوحه ی تصمیمات اساسی شان قرار می دهند. قدرت دین به نحوی در نقش والدینی افراد نفوذ کرده که به مالکیت فرزندان توسط والدینشان منجر شده است. برای مثال بر اساس قوانین اسلام حتی یک دختر نوزاد هم می تواند با اجازه و رضایت پدرش به همسری هر مردی درآید^{۴۷}. بر اساس شریعت مکتب حنبلی، والد حق دارد که پیشنهاد خواستگاری دخترش را از جانب یک مرد بپذیرد حتی اگر دخترش هنوز به سن بلوغ نرسیده باشد. با این حال دختر تا زمان رسیدن به سن بلوغ به همراه والدینش زندگی می کند و در زمان بلوغ او حق دارد که ازدواج را بپذیرد و یا آن را رد کند. اگر دختر ازدواج را نپذیرد طلاق می گیرند. با این حال باید بدانیم که در عمل چنین امری به ندرت اتفاق می افتد. بدیهی است که خانواده های درگیر در این قضیه و فشار اجتماعی برای قبول ازدواج و تبعیت از والدین در تمامی امور، برای یک دختر در چنین شرایطی سرپیچی را بسیار دشوار خواهد کرد.

^{۴۳} <http://www.jurist.org/paperchase/2015/11/guatemala-raises-marriage-age-to-18.php>

^{۴۴} <http://www.jurist.org/paperchase/2015/11/guatemala-raises-marriage-age-to-18.php>

^{۴۵} <http://www.jurist.org/paperchase/2015/11/guatemala-raises-marriage-age-to-18.php>

^{۴۶} <http://www.express.co.uk>

^{۴۷} روح الله خمینی، تحریرالوصایا، ترجمه ی سید محمدباقر همدانی، جلد چهارم، کتاب سؤالات نکاح

"در مسئله ازدواج باید عجله کرد و دختر و پسر باید ازدواج کنند. البته من با ازدواج دانشجویی مخالفم، بلکه ازدواج باید دبیرستانی باشد زیرا دختران در سن ۱۳ سالگی شوهر می‌خواهند و آن کسی که او را خلق کرده، بهتر می‌داند که برای او چه چیزی بهتر است. در برخی از جاها باید عجله کرد یکی از اینجاها ازدواج فرزندان است. زمانی که موقع ازدواج دخترمان است، باید برای آن عجله کرد نه اینکه بگوییم درسش تمام شود و بعد. برای پسر هم همین‌گونه است، بنابراین برای ازدواج و امورات خیر باید عجله کرد، زیرا شیطان وسوسه می‌کند."

حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

۲۶ مرداد ۱۳۹۵

در جوامع مسیحی روابط جنسی خارج از ازدواج ممنوع اعلام شده است. تا اواخر قرن هجدهم درک بسیار اندکی از مفهوم کودکی وجود داشت و کودکان تنها بزرگسالان کوچک در نظر گرفته می‌شدند. از اواخر قرن هجدهم و به خصوص در قرن نوزدهم نگرش‌ها دچار تغییر شد. در اواسط قرن نوزدهم توجهات بیشتری به سوء استفاده جنسی از کودکان مبدول شد^{۴۸}. سیاست جنجال برانگیز کلیسای کاتولیک روم و بعد سایر کلیساهای پروتستان، تأیید ازدواج‌های مخفیانه یا ازدواج‌های بدون رضایت والدین بود.

در بسیاری از جوامع شمال غرب اروپا، ازدواج در سنین بسیار پایین نادر بود. کلیسا حکم داده بود که هر دوی عروس و داماد باید حداقل ۲۱ سال سن داشته باشند تا بتوانند بدون رضایت والدینشان ازدواج کنند. در مقایسه با اسلام حتی زمانی که شرایط جغرافیایی و زمانی در نظر گرفته شوند، قوانین زندگی برای تمامی مسلمانان تمامی دنیا چه مرد و چه زن گذاشته شده تا از آن‌ها تبعیت نمایند که این قوانین شامل سن بلوغ و سن ازدواج نیز می‌گردد.

با وجود تمام پیچیدگی‌های سن و انواع بلوغ، فعالیت‌های مختلف اجتماعی یک سن شروع خاص را می‌طلبند. در جوامع امروزی که فعالیت‌های اجتماعی گسترده و جهان شمول شده‌اند و مشارکت روز افزون افراد را می‌طلبند، یک معیار خاص یا ملاکی برای تعریف کودکی و بزرگسالی لازم به نظر می‌رسد.

^{۴۸} هیلی، بوکسال و همکاران (۱۳۹۴)، مرور تاریخی تعرضات جنسی و سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان در استرالیا از سال‌های ۱۱۶۷ تا ۱۳۹۳، موسسه‌ی جرم‌شناسی استرالیا.

وقتی که سن قابلیت ازدواج برای یک فرد بر اساس قوانین دینی پایین تر از سن قانونی ازدواج در یک سرزمین باشد، قانون دولتی حاکمیت دارد. قابل قبول بودن و پذیرش فرهنگی و اجتماعی ازدواج زودهنگام ممکن است در این زمینه نقش واسطه‌ای را ایفا کرده باشد. برای مثال کودکانی که زود ازدواج کرده اند ممکن است فکر کنند که تجربه شان صرفاً یک تکرار اجتماعی بی چون و چرا از چیزی بوده که مادران و خواهرانشان نیز برای نسل‌ها تجربه کرده اند و بنابراین فرهنگ نهادی شده و درونی شده اعمال می‌شود.

از واقعیت‌ها چنین بر می‌آید که در کشورهایی که در آن دختران دسترسی منصفانه‌ای به تحصیلات، تقویت استعداد و فرصت‌های شغلی داشته باشند، ازدواج زودهنگام بسیار نادر است^{۴۹}. سویتمن (۱۳۸۲) در کتابش مطرح می‌کند که در ایالات متحده آمریکا تنها ۴ درصد از دختران زیر سن ۱۹ سال ازدواج می‌کنند. در کانادا این آمار به ۱ درصد می‌رسد و در بریتانیا ۲ درصد^{۵۰}.

انواع ازدواج

فرار از خانه: در برخی از نواحی فرار نوجوانان و کودکان از خانه‌هایشان رایج است، برای مثال در مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی (موکریان). این امر در مناطقی اتفاق می‌افتد که قدرت خانواده و سلسله مراتب قدرت در آن به اضافه‌ی تبعیت مطلق وجود داشته است و زوجین قادر به تصمیم‌گیری برای خود نبوده‌اند. عمل فرار از خانه (به زبان محلی کردی: ره دو که وتن)، راهی که خانواده‌ها با این عمل غیر قابل قبول کنار می‌آیند از یک منطقه به منطقه دیگر کردستان و سایر استانها متفاوت است. در برخی مناطق (بیشتر در استان آذربایجان شرقی) پدر دختر در ازای اخذ مبلغی پول از طرف داماد و یا خانواده اش، دختر را دوباره به کانون خانواده‌ی پذیرد و این هزینه در نهایت صرف خرید جهیزیه و یا اسباب‌زندگی برای زوج می‌گردد. در برخی مناطق مانند شمال غرب استان خراسان رضوی، هردوی خانواده‌ها نه تنها زوجین را دوباره قبول می‌کنند بلکه خانه و اسباب مورد نیاز زندگی‌شان را نیز فراهم می‌کنند تا زوج بتوانند در کنار یکدیگر زندگی کنند. رواج و شیوع این امر در بابل آباد (نزدیک شهر خوی واقع در استان آذربایجان غربی) اکنون به عنوان یک رسم و هنجار اجتماعی عمل می‌کند که تداوم ازدواج زودهنگام کودکان را منجر می‌شود و در عین حال فرار از خانه شاید به نوعی مقاومت و عدم پذیرش سلطه مردسالارانه بر زنان است، زنان بسیاری که برای فرار از ازدواجهای تحمیلی و یا رد خواستگاری‌هایشان به این گزینه روی می‌آورند.

^{۴۹} کارولین سویتمن (۱۳۸۲)، جنسیت، توسعه و ازدواج، انجمن آکسفورد برای کمک به قحطی‌زدگان با تأکید بر جنسیت
^{۵۰} همان.

از دیرباز در زمان کوچ نشینی تبادل زنان به عنوان ابزارهای خرید و فروش یک عمل رایج در میان خانواده های سنتی بوده است^{۵۱}. در جامعه ی معاصر مفهوم ازدواج اجباری یا ازدواج ترتیب داده شده شیوع یافته و از آن جا که بیشتر ازدواج کودکان در درون خانواده شکل گرفته اند^{۵۲}، بسیاری از برنامه ها و راهکارهای پیشگیری از ازدواج زودهنگام افرادی را مورد هدف قرار می دهند که در خانواده ها نسبت به کودکان و نوجوانان در منصب قدرت قرار دارند. به این ترتیب این برنامه ها و راهکارها به خصوص والدین، قیم ها و اعضای جامعه محلی شان را مورد توجه قرار می دهند.

مبادله ی زنان: یکی از اشکال دیگر ازدواج که بسیار نیز شایع است تبادل زنان می باشد که به طور عمده هنوز در پاکستان رواج دارد و در ایران به شدت کاهش یافته است. در این رسم اجتماعی دو دختر در بین دو خانواده به عنوان بخشی از یک توافق تجاری، مبادله می شوند. تبادل سنتی زنان یک استراتژی و راهکار حل و فصل کشمکش ها بوده است. عمل ازدواج ترتیب داده شده برای برقراری صلح و آرامش بین دو قبیله ی متخاصم نیز مورد قبول عام بوده است. معمولاً در این روش توجهی به رضایت و موافقت زنان و مردان وجود ندارد^{۵۳} و موارد بسیار اندکی بوده است که در آن طرفین درگیر در ازدواج از آن امتناع کرده اند.

ازدواج اجباری و ازدواج ترتیب داده شده:

" تو کارون اکثر ازدواج ها عشیره ای و فامیلی هست. زینب مجبور شد خیلی زود شوهر کنه تا به پسر عموی عقب افتاده اش نندش. ما باید رسم قدیم رو داشته باشیم چون توی خون و رگمونه و باید باشه. مادر شوهر دخترم، خواهر منه. درسته دخترم بچه ست ولی باید دو سه تا بچه داشته باشه تا زندگی رو بفهمه.

نگو مجبورم! بگو وظیفه مه!"

مادر زینب، ۴۲ ساله

کارون، استان خوزستان

از اواسط قرن بیستم بسیاری از جوامع غربی، قوانین برابری زوجین را در قانون خانواده شان وضع کردند. یک ازدواج اجباری زمانی شکل می گیرد که یکی از زوجین یا هر دوی آنها راضی به وصلت نیستند و حداقل نسبت به یکی از زوجین تحکم و اجبار مورد استفاده قرار می گیرد. این یک عمل منجر کننده و دفاع ناپذیر می باشد و در بریتانیا به عنوان شکلی از خشونت علیه زنان، سوءاستفاده و خشونت علیه کودکان و تجاوز از حقوق بشر تعریف شده است.

از نظر برخی افراد، ازدواج ترتیب داده شده شکلی از ازدواج اجباری است. در ازدواج اجباری، یکی از طرفین و یا هر دوی آن ها تحت ارعاب، ترس و فشار وادار به

^{۵۱} انی بونتینگ ان و همکاران (۱۳۹۵)، ازدواج اجباری: پیکار با رضایت و اجبار در افریقا، انتشارات دانشگاه اوهایو.

^{۵۲} ارولکار، ای. اس و مونتگی ای (۱۳۸۸)، ارزیابی برهین هوان: برنامه ای برای به تأخیر اندازی ازدواج کودکان در مناطق روستایی

اتیوپی، رویکردهای بین المللی در مورد سلامت باروری و جنسی، شماره ۳۵: ۶-۱۴.

^{۵۳} جودیث گاردنر و جودی ال بوشرا (۱۳۸۳)، زنان و برقراری صلح در سومالی: داستان نگفته ی جنگ از زبان زنان سومالی، لندن: نشر پلوتو

ازدواج بر خلاف تمایلش می شود. ولی در ازدواج ترتیب داده شده هر دوی طرفین با رضایت کامل و آزادانه ی خود تن به ازدواج می دهند.^{۵۴} یک ازدواج ترتیب داده شده به معنای ازدواج اجباری نیست زیرا در اولی زوجین امکان پذیرفتن پیشنهاد ازدواج را دارند ولی در دومی خیر.

با این حال تمایز دقیق بین ازدواج ترتیب داده شده و ازدواج اجباری بسیار سخت است و گاهی نمی توان چنین تفکیکی را میان آنها قائل شد زیرا در واقعیت این دو امر بسیار به هم نزدیکند. نمی توان گفت رضایت دختر در ازدواج ترتیب داده شده یک رضایت قطعی و کامل و با انتخاب خودش بوده است. زیرا این ازدواج معمولاً از طریق فشار اجتماعی و احساسی از طرف والدین و برادرها به وی تحمیل شده است. اگر یک زن یا دختر جوان سعی کند در مقابل یک ازدواج اجباری یا ترتیب داده شده بایستد اغلب با واکنش های شدیدی مواجه می شود و در برخی مناطق دنیا به قتل های ناموسی منجر می گردد.

تبعیت از رسوم سنتی و باورهای خانوادگی، قومی و عشیره ای می تواند افراد را وادار به تطابق کند. از این لحاظ تمایز بین این دو شکل ازدواج هرگز آسان نبوده است زیرا دومین نوع آن به عنوان شکلی از خشونت خانگی که می تواند دامن گیر هر دوی کودکان و بزرگسالان باشد دیده می شود.^{۵۵}

" اینجا دختر بالای ۱۸ سال از نظر مردم پیر دختر است و در مشکان اگر پسری واقعا دختری را بخواهد، می تواند حتی علی رغم مخالفت دختر او را با خود ببرد. من در ۱۵ سالگی به اجبار و انتخاب خانواده ام ازدواج کردم. اصلاً از رفتار شوهرم و زندگیم راضی نیستم.

به هر کسی رسیدید، خواهش می کنم بهش بگید زود ازدواج نکنه! حتی اگه سرشو بخوان بپرن زود ازدواج نکنه."

پاسخگوی زن، ۱۶ ساله، مشکان- سبزوار

بعد سلامتی

همین اطلاعات اندک در خصوص این پدیده نشان می دهد که اکثر دختران در یک ازدواج تحمیلی بسیار اندوهگین و منزوی هستند. پیوند با همسالانشان را از دست داده اند. کسی را برای هم صحبتی ندارند زیرا تمامی افرادی که در دور و برشان هستند، خود از تأیید کنندگان و عاملان وضعیت آن ها هستند. مشکلات

^{۵۴} دفتر بهداشت و سلامت خارجه (۱۳۸۴)، ازدواج اجباری: یک امر اشتباه نه درست، بریتانیا، لندن.

^{۵۵} گنگولی جی و چنتر کی (۱۳۸۸)، محافظت از قربانیان ازدواج اجباری: آیا سن یک عامل محافظتی است؟ مجله ی مطالعات فمینیستی، شماره ۱۷: ۲۶۷-۲۸۸.

آن ها توسط جامعه شان ناشناخته و انکار شده باقی می ماند و تبدیل به قربانیانی نامرئی می شوند. جامعه پذیري نامناسب و عدم امکان ادامه ی تحصیلات و آسیب های روحی و جسمی ویرانگر به خاطر زایمان های پیاپی در ایشان بسیار تکان دهنده است. مشکلات روحی آن ها اغلب با سنگدلی به عنوان بخش اجتناب ناپذیری از زندگی شان تلقی می شود.^{۵۶} آمارهای مربوط به اقدام به خودکشی در میان دخترانی که با پیشنهاد ازدواج روبرو بودند، دو برابر دختران در شرایطی غیر از این بوده است.

بُعد تحصیلی

رابطه ی درونی بین ازدواج زودهنگام کودکان و کم سواد ی و تحصیلات پایین، یک علت زمینه ای برای سلامت و عزت نفس پایین و انزوای فردی است. بی شک ازدواج زودهنگام کودکان یک نقطه پایان برای تحصیلات دختران است، به خصوص در کشورهای فقیرنشینی که در آن ها ازدواج کودکان متداول است.^{۵۷} کوتاه کردن دوره تحصیلات به نظر می رسد که بخشی از یک الگوی توقعات سنتی اجتماعی در مورد دخترانی باشد که شوهر داده می شوند. یک دختر به محض داشتن شرایط ازدواج مناسب، مدرسه ترک تحصیل می کند. لازم است اشاره کنیم که از منظر اجتماعی-فرهنگی بسیاری از این دختران نوجوان پرورش داده شده اند تا زود ازدواج کنند و تمام طول زندگی شان را صرف کارهای خانگی کنند.^{۵۸} بسیاری از خانواده ها در جوامع سنتی بر این باورند که سرمایه گذاری بر تحصیلات یک دختر اتلاف هزینه است زیرا او در نهایت ازدواج خواهد کرد و در یک خانه ی دیگر به کارش ادامه خواهد داد. علاوه بر این هزینه ی بالای تحصیلات آنها محرک و انگیزه ای برای ترک تحصیل از جانب این دختران است.^{۵۹} یکی از علل عمده ی ازدواج زودهنگام کودکان تأکید بیش از اندازه بر باکرگی و عفت زنان و نیاز جامعه به کنترل میل جنسی آن هاست. میل جنسی کودکان مؤنث نه تنها به اعتبار و افتخار خانواده، بلکه به آبروی طایفه، طبقه، نژاد و گروه قومی نیز ارتباط پیدا می کند. رسم ازدواج زودهنگام کودکان که متضمن کنترل بر میل جنسی دختران است، در طول نسل ها تداوم یافته و از یک خانواده ی مردسالار به خانواده ی دیگر رسیده است.^{۶۰}

^{۵۶} برهانه سلاسی، سهایی (۱۳۷۱)، ازدواج زودهنگام در اتیوپی، گزارش کمیته ی درون آفریقایی در مورد اعمال سنتی اثرگذار بر سلامت زنان و کودکان، ادیس ابابا

^{۵۷} مرکز بین المللی تحقیق در زمینه ی زنان (۱۳۸۴)، جوان تر از سن ازدواج: تحصیلات و اقدامات به سوی پایان دادن ازدواج کودکان، واشنگتن دی سی.

^{۵۸} جونز، گوین (۱۳۷۶)، پویای جمعیتی و اثراتش بر نوجوانان در منطقه ی آسیایی-اقیانوسیه، مجله ی جمعیت آسیا-اقیانوسیه، جلد ۱۲، شماره ۳.

^{۵۹} گزارش ازدواج کودکان: کودک همسران. www.unicef-irc.org/publications/pdf/digest7e.pdf

^{۶۰} علل ازدواج کودکان چیست؟ www.bellbajao.org/what-causes-early-marriage

طلاق کودکان

ازدواج کودکان با ریشه های عمیقش در نابرابری های جنسیتی زمانی که سن زوج دو برابر سن زوجه است، بر دختران تأثیر بیشتری دارد. ازدواج زودهنگام کودکان معمولاً با ترک همسر مرتبط است^{۶۱}. طلاق یا ترک همسر اغلب این دختران جوان را به فقر بیشتری گرفتار می سازد، زیرا او معمولاً باید به تنهایی مسئولیت فرزندانشان را بر عهده گیرد. از آنجا که اکثریت این دختران در سنین بسیار پایین و در حالی که فاقد تحصیلات بوده اند، ازدواج کرده اند، مهارت های کسب درآمد آنها بسیار پایین (اگر نه هیچ) بوده و در نتیجه به فقر بیشتر آنها دامن می زند^{۶۲}. از آنجا که در کودک همسری سن دختران معمولاً به طرز چشمگیری پایین تر از شوهرانشان است، آنها در سنین پایین تری مطلقه می شوند، بنابراین نسبت به زنانی که در سن بالاتری ازدواج کرده اند، ممکن است که چالش های اجتماعی و اقتصادی را در بعد عمیق تر و گسترده تری تجربه کنند^{۶۳}. جوامعی که در آن ازدواج کودکان رایج است بیشتر مستعد طلاق های زودهنگام و کودکان مطلقه است.

ملک شاهی، رئیس کمیسیون قضایی مجلس ایران اعلام کرد که ۷۰ درصد طلاق ها توافقی و مربوط به موارد ازدواج زودهنگام بوده است. بسیاری از این افراد به دادگاه و شکوه می کنند که بسیار زود ازدواج کرده اند درحالی که هیچ ذهنیتی در مورد ازدواج نداشته اند و اکنون خواهان طلاق هستند^{۶۴}. بالاترین میزان طلاق در میان دختران و زنان جوانی بوده است که در فاصله سنی ۱۰ الی ۱۹ سال قرار دارند و این ما را به این استدلال می رساند که طلاق در ایران بیشتر ناشی از ازدواج های زودهنگام است.

و بدتر از آن اینکه آمارهای طلاق در ایران در طول یک دهه اخیر تا ۷۴ درصد افزایش یافته است. جالب توجه است که علی اکبر محزون مدیرکل دفتر اطلاعات، آمار و مهاجرت سازمان ثبت احوال در ۱۳۹۵ اعلام کرد که این سازمان دیگر به طور ماهانه اطلاعات آماری مربوط به طلاق را اعلام نخواهد کرد و این آمارها

^{۶۰} راضیه لطفی (۱۳۸۹)، اثرات مخرب ازدواج زودهنگام، فصلنامه ی زنان و سلامت، شماره دوم.

^{۶۱} بروس، جی و همکاران (۱۳۷۴)، خانواده ها در مرکز توجه: نگرشی نوین بر مادران، پدران و کودکان، انجمن جمعیت نیویورک

^{۶۲} گزارش ازدواج کودکان: کودک همسران. [www.unicef-irc.org/publications/Early marriage child spouse](http://www.unicef-irc.org/publications/Early%20marriage%20child%20spouse)

^{۶۳} جفنی ریس راث (۱۳۹۰)، قانون بین المللی به عنوان ابزاری برای مبارزه با ازدواج کودکان، مجله ی بین المللی حقوق بشر. شماره ۱۵:

بیشتر هدفمندانه اعلام خواهند شد. او مطرح کرد که چهار آمار حیاتی (تولد، مرگ، ازدواج و طلاق)، از این به بعد به سه آمار حیاتی تغییر می یابد و آمارهای مربوط به طلاق از این میان حذف خواهد شد.

قوانین ازدواج در ایران

جنبه‌های قانون اساسی، باورهای دینی، ابعاد جنسی و همچنین هنجارها و مناسک اجتماعی نقش قابل توجهی در ازدواج زود هنگام در جامعه ایران دارند.

در عوض قانون، سن خاصی را مصوب می کند که به موجب آن درگیری در فعالیت جنسی برای فرد غیرقانونی اعلام می شود. این امر گاهی با معانی دیگری هم مورد استفاده قرار گرفته است، برای مثال سنی که در آن فرد قادر به رضایت به ازدواج می شود^{۶۵}. بیشتر سیستم‌های قضایی سن رضایت به رابطه جنسی را بین ۱۴ الی ۱۸ سال قرار می دهند. برای حفاظت از کودکان در برابر سوءاستفاده‌های جنسی بسیاری از کشورها یک سن حداقلی را برای رضایت به رابطه جنسی تعیین کرده‌اند، با این حال زمینه‌ی چنین اندازه‌هایی در درون فرهنگ‌های اسلامی دیده نمی شود زیرا کلیه رابطه‌های غیر از ازدواج همیشه غیرقانونی بوده‌اند^{۶۶}.

قبل از انقلاب بر اساس ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده (سال ۱۳۵۳) ازدواج زنان قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و ازدواج مردان قبل از اتمام ۲۰ سالگی شان ممنوع بود.

تغییر این سن بعد از انقلاب در ایران رخ داد. تغییرات اولیه‌ی آن در موقت شکل گرفت و این ماده با ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی تعویض شد. بر اساس ماده‌ی ۱۰۴۱ از قانون مدنی ایران سن ازدواج برای دختران ۱۳ و برای پسران ۱۵ سالگی اعلام شد. با این حال همین قانون به دختر اجازه می دهد که ازدواج در زیر سن ۱۳ سالگی و پسران در زیر سن ۱۵ سالگی به شرط رضایت والد یا اجازه‌ی دادگاه بتواند شکل بگیرد^{۶۷}. علاوه بر این اگر قیم کودک (پدر یا پدربزرگ) چنین درخواستی را داشته باشد و دادگاه به این نتیجه برسد که او به قدر کافی بالغ شده است که بتواند ازدواج کند، کودک می تواند حتی در سنین پایین تر نیز ازدواج کند^{۶۸}.

^{۶۵} لغتنامه‌ی آنلاین آکسفورد، واژه‌ی سن رضایت

^{۶۶} دهامی، اس و شیخ، ای (۱۳۷۹)، خانواده‌ی مسلمان: تنگناها و وعده‌ها، مجله‌ی غربی پزشکی: ۱۷۳-۳۵۲

^{۶۷} ماده‌ی ۱۰۴۱ قانون مدنی عبارت است: ازدواج دختران زیر سن ۱۳ سال و پسران زیر سن ۱۵ سال مشروط بر اجازه‌ی ولی یا قیم با در نظر گرفتن

مصلحت فرزند و دادگاه دارای صلاحیت می باشد

^{۶۸} ایران- ازدواج کودکان در سراسر دنیا. www.girlsnotbrides.org/child-marriage/iran Violations of girls' rights: child

marriage and FGM in the I.R. Iran

ماده‌ی ۱۰۴۱ قانون مدنی در سال ۱۳۱۳ اعلام می‌کرد که در ایران بر اساس قانون اساسی و مشروعیت قانونی، هیچ ازدواجی بین دختر زیر ۱۵ سال و پسر زیر ۱۸ سال نمی‌تواند شکل بگیرد مگر اینکه شرایط خاصی در نظر گرفته شود که در آن اعتبار ازدواج توسط یک دادخواه عمومی اعلام شود. این استثنا برای مواردی که دختر زیر سن ۱۵ سال و پسر زیر سن ۱۸ سال بود وجود نداشت به این معنا که آن‌ها نمی‌توانستند به هیچ‌وجهی ازدواج کنند. قانون جدیدی در سال ۱۳۶۱ وضع شد که به‌موجب آن سن اولیه‌ی ازدواج یا سن بلوغ برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال در نظر گرفته شد که بر این اساس هرگونه اقدام به ازدواج در زیر این سن‌های اولیه غیرقانونی بود. نهایی‌ترین تغییر در قانون مدنی در سال ۱۳۸۱ تصویب شد که بر مبنای آن مشروعیت ازدواج بین دختران و پسران زیر این سن بلوغ تعریف شده (۱۳ و ۱۵) با رضایت یک قاضی صالح به‌عنوان یک شرط تأکید شد.

شمار کلی ازدواج‌های زود هنگام کودکان به طرز اعجاب‌آوری در واقعیت بالاتر است زیرا بسیاری از این ازدواج‌ها در روستاهای کوچک و مناطق روستانشین به‌طور رسمی ثبت و ضبط نمی‌شوند.^{۶۹} حداقل ۴۸,۵۸۰ دختر در بین سنین ۱۰ الی ۱۴ سالگی در سال ۱۳۹۰ ازدواج کردند. ۴۸,۵۶۷ نفر از آن‌ها قبل از رسیدن به سن ۱۵ سالگی حداقل یک فرزند داشته‌اند. باور قوی به ازدواج زود هنگام کودکان در ایران گواه این است که هنجارهای اجتماعی بسیار قدرتمندتر از قوانین هستند و همین امر به تداوم و بقای کودک همسری و رواج آن دامن می‌زند. قانون علیه ازدواج در زیر سن ۱۳ سالگی و کیفر قانونی برای والدینی که فرزندانشان را در زیر این حداقل‌های سنی ازدواج می‌دهند، جلودار کودک همسری نبوده و نیست. آسان‌ترین راه برای اجتناب از مجازات قانونی به تعویق انداختن ثبت رسمی ازدواج بوده است. واقعیت این است که زمانی که هنجارهای اجتماعی و فشارها مردم را وادار به ازدواج دادن فرزندانشان در خردسالی می‌کند، تعهدات اجتماعی و غیررسمی، دور زدن و نادیده گرفتن قانون را آسان‌تر می‌کند.

در جامعه‌ی پلاگرای ایران، طبق تعریف جامعه به نظر می‌رسد که خرید طلا یکی از مهم‌ترین بعدهای زندگی زنان باشد. طلا و زنان جایگاه مهمی در دین اسلام داشته‌اند. دیدگاه شخصیت‌های اسلامی نسبت به زن این بوده که آن‌ها می‌توانند طلا به خود بیاویزند. طبق مسائل ذکر شده در بالا در خصوص الزام وجود شرط رضایت یک قاضی صالح به ازدواج، یک جلسه برای تعیین بلوغ ذهنی دختر برگزار می‌شود. طبق بررسی‌های این مطالعه برای مثال در استان سیستان و بلوچستان، در این جلسه چند سؤال از دختر خردسال پرسیده می‌شود تا بلوغ ذهنی وی مشخص گردد. یکی از این سؤالات در خصوص قیمت روز طلا و دیگری در باب تشخیص طلا یا بدل بودن یک جفت گوشواره است. نتیجه‌ای که از این سؤالات برمی‌آید این است معیار مقبول برای تخمین بلوغ روانی زن قیمت طلا یا اجناسی بوده است که زنانه در نظر گرفته می‌شود. در نگاه

اول چنین جلسه‌ی دادگاهی اعتبار و کیفیت لازم برای چنین تصمیمی را ندارد زیرا یک قاضی به‌تنهایی کفایت لازم برای چنین امری را ندارد. به نظر می‌رسد که احتیاج به یک گروه تحصیل‌کرده از روان‌شناسان، مددکاران اجتماعی و سایر شخصیت‌ها وجود دارد. دوماً اینکه کل این روند تصمیم‌گیری در خصوص بلوغ ذهنی یک انسان که تنها چند دقیقه به طول می‌انجامد، بیشتر به یک‌روند سلیقه‌ای و شخصی می‌نماید تا یک تصمیم حرفه‌ای و قضایی.

باین‌حال فتوایان انجمن‌های مذهبی و رهبران دینی معمولاً نفوذ و اثرگذاری قابل‌توجهی در نقل‌قول‌های رهبران محلی و در میان جامعه‌ی مسلط عربی در استان‌های جنوبی ایران دارد. برای مثال استان خوزستان سومین جایگاه رواج ازدواج زودهنگام کودکان را به خود اختصاص داده است.

در سیستان و بلوچستان مردم محلی بالاترین پتانسیل اثرپذیری از یک رهبر دینی را دارند، به‌خصوص از بزرگ‌ترین شخصیت مذهبی مولولانا عبدالحمید اسماعیل زهی که نه‌تنها برجسته‌ترین امام و رهبر دینی در استان است بلکه به‌عنوان رئیس رهبران دینی اقلیت سنی مذهب ایران در جنوب شرق و غرب ایران شناخته‌شده است.



دیدار با مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی، جهت جلب حمایت و موعظت وی
در خصوص بالا بردن سن ازدواج. عکس از: دفتر مولانا عبدالحمید

اثرگذاری رهبران مذهبی را نمی‌توان دست‌کم گرفت. پروژه‌ی مداخله‌گرانه‌ی حاضر در حین کار میدانی، تیم پژوهشی را به برگزاری جلساتی با این افراد مرجع مذهبی در منطقه واداشت. بر این اساس جلسه‌ای موفقیت‌آمیز در هفدهم مرداد ۱۳۹۵ با مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی در سیستان و بلوچستان صورت گرفت. دو روز بعد از این نشست موفقیت‌آمیز مولوی عبدالحمید در خطبه‌ی نماز جمعه‌اش که در آن هزارها نفر از شهرهای استان در زاهدان گرد هم آمده بودند، در خصوص اینکه ازدواج باید در حول و حوش سن قانونی ۱۸ سالگی صورت پذیرد بحث کرد. علاوه بر این اضافه نمود که والدین بایست اجازه بدهند که جوانان خودشان شریک زندگی‌شان را انتخاب کنند و آن‌ها می‌توانند انتخاب‌های بهتری در زمینه تحصیلی، یافتن شغل و درجات بالاتر سلامت روانی و جسمی داشته باشند.

فصل سوم:

یافته های منطقه ای

و نتایج پیمایش



"دخترم فاطمه ۱۴ سالشه، ۱۳ سالش بود که ازدواج کرد. خیلی دختر خوبیه. پدرش ده ساله زندانه به خاطر مواد مخدر. فاطمه رو مفت دادم. چون پسره گفت کاگر ساده‌ام گفتم باشه ببر. دوست داشتم قیمتش بالا باشه. اینجا هر چی دختر جوون تر باشه پولشم بیشتره. نهایتاً یک میلیون میدن. بعضیا هم صد تومن، دویست تومن میدن. اما من مفت دادمش."

فصل سوم: یافته های منطقه ای و نتایج پیمایش

سازمان ثبت احوال ایران، بر اساس سرشماری جمعیتی هرساله داده‌هایی در خصوص چهار رویداد جمعیتی شناختی فراهم می‌کند: تولد، مرگ، ازدواج و طلاق. این اطلاعات همیشه در دسترس عموم بوده‌اند اما آنچه در میان این آمارها پنهان و ناگفته مانده و از داده‌های عمومی در دسترس بسیار فراتر می‌رود، آن چیزی است که به راهکارهای عملی ختم می‌شود.

تلاش‌های دانشگاهی و آکادمیک اکثراً مورد رد و انکار واقع شده و برخلاف شیوع و گستردگی این پدیده در جذب توجه و علاقه‌ی دولت‌مردان - که در سال‌های اخیر بر افزایش رشد جمعیت تأکید داشته و انگیزه‌های جوانان را جهت تسریع در ازدواج و فرزند آوری افزایش می‌دادند- ناکام مانده‌اند.

مانند سایر روش‌های جمع‌آوری داده این مطالعه نیز محدودیت‌های خاص خود را داشت. مانند هر تحقیق کیفی دیگر عینیت یک مسأله‌ی مهم است و تعصب از جانب محقق گاهی اجتناب‌ناپذیر است. محدودیت‌های زمانی و بودجه‌ای نیز به کوچک بودن حجم نمونه منجر می‌شود که به این معناست که یافته‌ها ممکن است نمایانگر شرایط جمعیت گسترده‌تری در ایران نباشد. با این حال همه‌ی تلاش‌ها در جهت محدود کردن تعصب و پیش‌داوری تا حد ممکن انجام شده است. روش‌های دقیق و مشارکت‌گرا که سؤال‌های تحقیق به وسیله‌ی آن‌ها طراحی شد گویای این قضیه است که جمع‌آوری داده‌ها غنی و به‌قدر کافی آموزنده و آگاهی‌بخشند. به مشارکت‌کنندگان تضمین داده شد که پاسخ‌های آن‌ها به‌صورت محرمانه استفاده خواهد شد و سعی شد که هنگام تکمیل پرسشنامه جایگاهی امن برای آن‌ها فراهم آورده شود تا بدین‌وسیله بتوانند تجربیات خصوصی و نظرات شخصی‌شان را بیان کنند. برای اطمینان از برداشت درست کلمات پاسخ‌دهندگان گروه پژوهش با رعایت رازداری از مشورت افراد بومی بهره گرفت. برای جمع‌آوری داده پرسشنامه‌ای با پایان باز طراحی شد و پاسخگویان در اضافه کردن هر چیزی که مهم می‌انگاشتند، آزاد بودند. از آنجاکه سطحی از اعتماد و محرمانه ماندن اطلاعات ضرورت داشت، پرسشگران این مطالعه به‌خوبی آموزش داده شدند تا محیطی امن، دوستانه و راحت را برای پاسخگویان فراهم کنند. داده‌های کیفی نیز از طریق مجموعه‌ای از افراد مطلع و کلیدی محلی با مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شد. پاسخگویان آزاد بودند که بخواهند به سؤال‌ها پاسخ دهند، مصاحبه را ادامه داده و یا آن را متوقف سازند. بعضی از پاسخگویان ترجیح دادند که اسمشان را ذکر نکنند. برخی دیگر تنها اسامی کوچکشان را گفتند. همچنین نقل‌قول‌هایی از عقاید رئیس‌جمهورها، رهبران، حاکمان دینی، رهبران محلی و سایر مسئولین حکومتی که قبلاً توسط خودشان و یا منابع دیگر منتشر شده بود نیز در این اثر آورده شده است که در اینجا ذکر نام‌ها انحرافی از اخلاقیات تحقیق نیست.

رویکرد روش‌شناختی به کار گرفته‌شده در این تحقیق یک روش کیفی در مقیاس کلان بود. از آنجاکه تحقیقی پیش‌ازاین در این‌باره در دسترس نبود که بتوان به آن رجوع کرد یا روش‌شناسی شناخته‌شده‌ای در ایران به‌عنوان یک تحلیل تطبیقی به کار گرفته نشده بود، روش‌شناسی مطابق و همخوان با پدیده‌ی موردنظر وجود نداشت. که این امر نیاز به یک مطالعه‌ی تطبیقی از مناطق با نرخ‌های بالای رواج ازدواج کودکان در داخل ایران را ضروری می‌کرد که در فهم شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌توانست به ما کمک کند. حجم جامعه، حجم نمونه، روش نمونه‌گیری، تعداد مصاحبه‌های تعیین‌شده برای هر بخش و ناحیه حتی زمان اختصاص داده‌شده به هر استان خاص بازتابی از رواج ازدواج زودهنگام کودکان در آن منطقه بوده است. اگرچه پرسشنامه‌ی بکار گرفته‌شده در هر منطقه یک نسخه‌ی محلی شده و بومی‌شده از پرسشنامه‌های پیمایش جمعیتی و سلامت^{۷۰} بود، اما بیشتر بخش‌های آن محقق-ساخته بود.



دیدار با رهبران و روسای طوایف در خصوص بالا بردن سن ازدواج.
عکس از: کامیل احمدی

استان‌ها با تحلیل داده‌های جمعیت‌شناسی موجود در خصوص آمارهای ازدواج در یک دهه‌ی اخیر انتخاب شدند. شایان‌ذکر است که ترتیب قرار گرفتن این استان‌ها در لیست موردنظر این تحقیق با فهرست‌ها و فهرست‌هایی که توسط حکومت منتشرشده است، یکسان نیست زیرا فهرست بکار گرفته‌شده در این مطالعه با انتخاب استان‌هایی صورت گرفته که بالاترین آمار کودک همسری را داشته‌اند و در طول این ده سال بیشتر از بقیه استان‌ها تکرار شده‌اند. بر این مبنا هفت استان مذکور عبارتند از:

۱. خراسان رضوی ۲. آذربایجان شرقی ۳. خوزستان ۴.
- سیستان و بلوچستان ۵. آذربایجان غربی ۶. هرمزگان و
۷. اصفهان

سؤال‌های ساختاریافته در پرسشنامه با موضوعات زیر آورده شدند: پیش‌زمینه‌ی پاسخگو، ازدواج، تصمیم‌گیری‌های ازدواج، باروری زنان، باروری مردان، نگرش‌های جنسیتی، مواجهه با پیام‌های پیش‌گیرانه‌ی ازدواج کودکان، خشونت جنسی زنان، خشونت خانگی مردان.

پرسشنامه بر میزان رواج و علل ازدواج کودکان در مناطق مورد مطالعه تمرکز داشت. پرسشنامه‌ی مذکور، تنها در مصاحبه با افراد محلی مورد استفاده قرار گرفت. مطالعه همچنین شامل مصاحبه با مسئولین، شخصیت‌های حکومتی، دینی و رهبران محلی هم بود. سؤالات مطرح شده به تناسب اینکه فرد مصاحبه‌شونده در چه زمینه‌ای تأثیرگذار و مطلع بود، بر حوزه‌های خاصی متمرکز می‌شد و روند مصاحبه‌ها به لحاظ ساختاری متفاوت بود.

"دخترم فاطمه ۱۴ سالشه، ۱۳

سالش بود که ازدواج کرد. خیلی دختر خوبیه. پدرش ده ساله زندانه به خاطر مواد مخدر. فاطمه رو مفت دادم. چون پسره گفت کاگر ساده‌ام گفتم باشه ببر. دوست داشتم قیمتش بالا باشه. اینجا هر چی دختر جوون تر باشه پولشم بیشتره. نهایتاً یک میلیون میدن. بعضیا هم صد تومن، دویست تومن میدن. اما من مفت دادمش."

پاسخگوی زن- تایباد

استان خراسان رضوی

استان خراسان رضوی واقع در شمال شرق ایران دارای جمعیت 6262000 نفر می‌باشد^{۷۱}. اکثریت جمعیت آن قومیت فارس و زبان آن‌ها فارسی است. خراسان رضوی یک قطب جاذبه مذهبی در ایران است و پایتخت معنوی تشیع می‌باشد. شیعه محور بودن در این منطقه به دلیل وجود حرم امام رضا (ع) در مشهد است با این وجود مناطق مرزی این استان سنی مذهب هستند. این استان اولین رتبه را در ازدواج زودهنگام در میان پسران در سنین ۱۰-۱۴ سال و در میان دختران در بین سنین ۱۵-۱۹ سال به خود اختصاص داده است. استان خراسان رضوی اولین هدف مورد بررسی این مطالعه بود.

ازدواج زودهنگام کودکان معمولاً یک عمل خانوادگی است که درون طایفه و خانواده صورت می‌پذیرد. مردم تمایل دارند که ازدواج‌های خانوادگی را ترتیب دهند که در آن والدین همدیگر را می‌شناسند. بر این مبنا برخی رسوم مانند مهریه می‌تواند کمتر باشد. مهریه عامل مهمی در زمان بندی ازدواج کودکان است. کودکی و جوان بودن به عنوان عاملی تعیین می‌شود که ارزش عروس را بالاتر می‌برد. یک دختر جوان زمان بیشتری برای وقف کردن و فرزند آوری برای خانواده جدیدش دارد^{۷۲}.

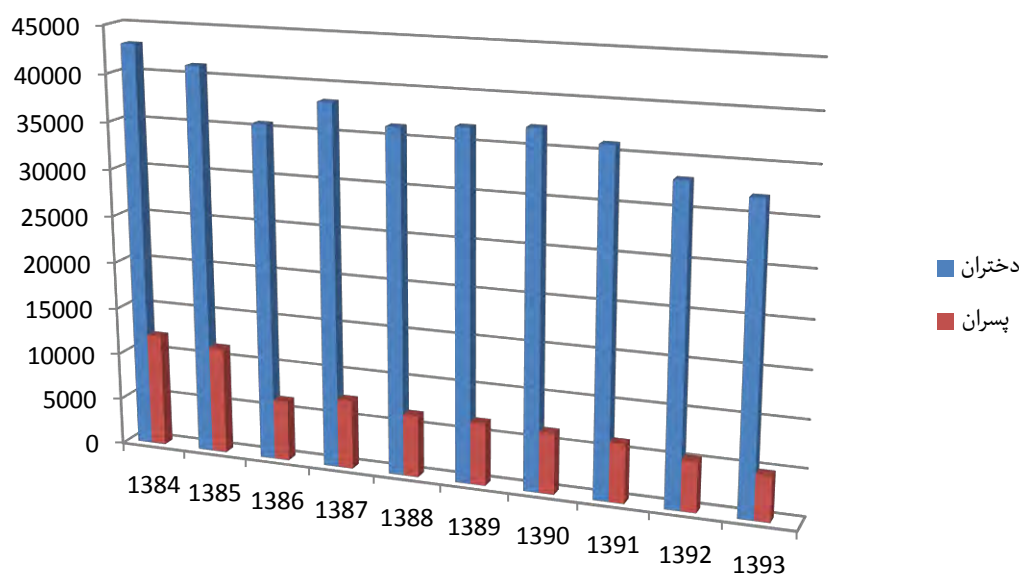
^{۷۱} سازمان ثبت و احوال ایران، ۱۳۹۳

<https://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/salnameh93.pdf>

^{۷۲} رایزنی در اروپا

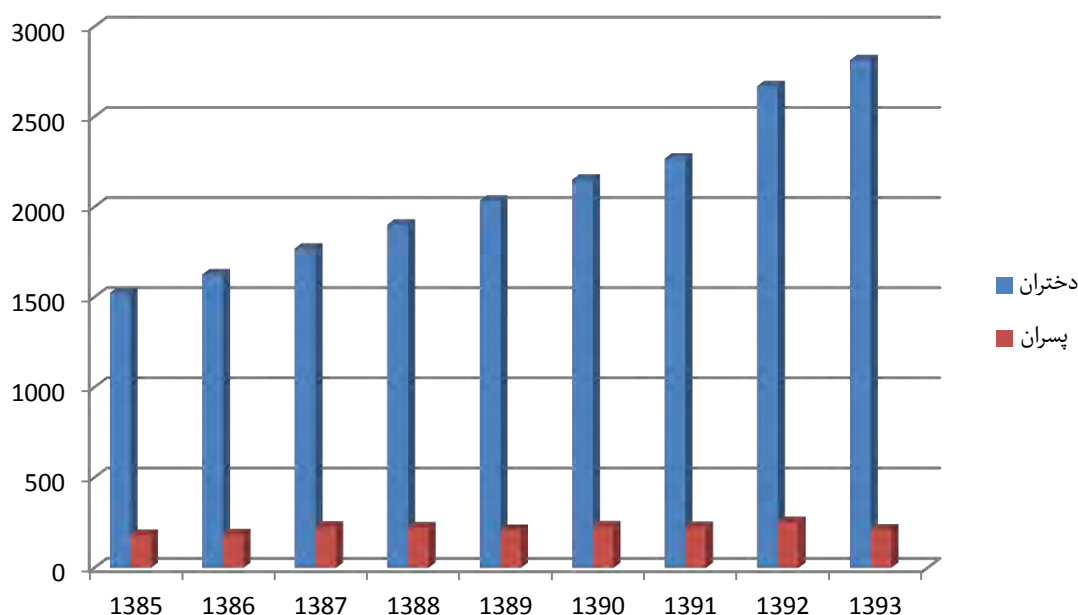
یک عامل تأثیرگذار دیگر در ازدواج زودهنگام در این ناحیه مالکیت آب است. در استان خراسان رضوی با اقلیم خشکش، کم آبی مانع رشد کشاورزی است. دسترسی به زمین هایی که دارای قنات های آبی می باشند، یک امتیاز ویژه دارد. این امتیاز زیست محیطی نقش مهمی در شکل دادن هنجارهای اجتماعی ایفا می کند. برای مثال در منطقه خیرآباد جایی که بیشتر افراد مالک قنات ها هستند، ازدواج زودهنگام در میان خانواده ها رایج است تا بدین وسیله، سلسله مراتبی را که از قبل موجود است، حفظ شوند مصاحبه با ساکنین آنجا نشان داد که مهریه ممکن است بر اساس سن عروس متفاوت باشد. به این معنا که هرچه قدر عروس جوان تر باشد، مهریه بالاتر است.

شکل یک رواج ازدواج زودهنگام در ده سال اخیر در استان خراسان رضوی را نشان می دهد. همان طور که مشخص است ازدواج کودکان در آن منطقه هنوز رایج است ولی تمایل به چنین ازدواجی رو به کاهش است. میانگین ازدواج کودکان در میان دختران نسبت به پسران زیادتر می باشد.



شکل ۱. نمودار ازدواج زودهنگام دختران و پسران زیر سن هجده سال در استان خراسان رضوی

برخلاف کاهش اندک در ازدواج زودهنگام کودکان، با افزایش نرخ طلاق در این استان در مقایسه با یک دهه گذشته مواجه هستیم.



شکل ۲. نمودار میزان طلاق دختران و پسران زیر سن هجده سال در استان خراسان رضوی

دخترانی که در خردسالی ازدواج می کنند، بیشتر احتمال می رود در سنین پایین نیز طلاق داده شوند. تحقیق نشان داده است که ۲۷ درصد از قربانیان ازدواج زودهنگام هنوز در حال تحصیل هستند و ازدواج دلیل عمده ترک مدرسه (۴۵ درصد) از افراد بود تا بتوانند کارخانه داری و وظایف بچه داری را به انجام رسانند. اکثریت پاسخگویان تنها تحصیلات ابتدایی داشتند و تنها ۱۰ درصد از آن ها این شانس را یافته بودند که تحصیلاتشان را تا کلاس دوازدهم (پایان دبیرستان) ادامه دهند. در ۵۷/۱ درصد از موارد زن قبل از ازدواج به مدرسه می رفته است و در ۷۴/۱ از موارد به زن قول ادامه تحصیل بعد از ازدواج داده شده بود- امری که در واقعیت تحقق پیدا نکرد.

در نتیجه ی ازدواج کودکان سلامت جنسی و باروری دختر خردسال بیش از هر چیزی تحت تأثیر قرار می گرفت. جسم دختر بچه ها از لحاظ فیزیکی شرایط مناسبی برای زایمان ندارد و دختر به قدر کافی بالغ نبوده و در نتیجه هم سلامت مادر و هم سلامت فرزند به خطر می افتد. ازدواج کودکان نه تنها سلامت مادر بلکه سلامت نسل بعد را به خطر می اندازد. مطالعه نشان داد که ۹۷ درصد از زنان که یک بار زایمان کرده بودند، توسط خانواده خودشان و مادرانشان مراقبت های بعد از زایمان را داشتند. شمار قابل توجهی از پاسخگویان هیچ مشکلی را در حین زایمان مطرح نکرده اند (۴۵ درصد) و ۲۷ درصد اعلام کرده اند که زایمان دردناک و خونریزی های شدید داشتند. دانش در خصوص مشکلات عمومی زایمان و مسائل سلامت زنان در میان زنان پایین بوده است. اکثریت پاسخگویان (۳۶ درصد) هیچ گونه اطلاعی در خصوص این مشکلات نداشتند.

دخترانی که قبل از ۱۵ سالگی زایمان کرده بودند تا حدود ۸۸ درصد ریسک دچار شدن به زخم پارگی زایمان (هر زخم واژنی که در حین زایمان رخ دهد و بیش از شش بخیه را منجر شود) را داشتند که آن‌ها را در مقابل عفونت‌ها آسیب‌پذیر می‌کرد. درد و عفونتی که در تمام طولی زندگی همراه آن‌ها خواهد بود.

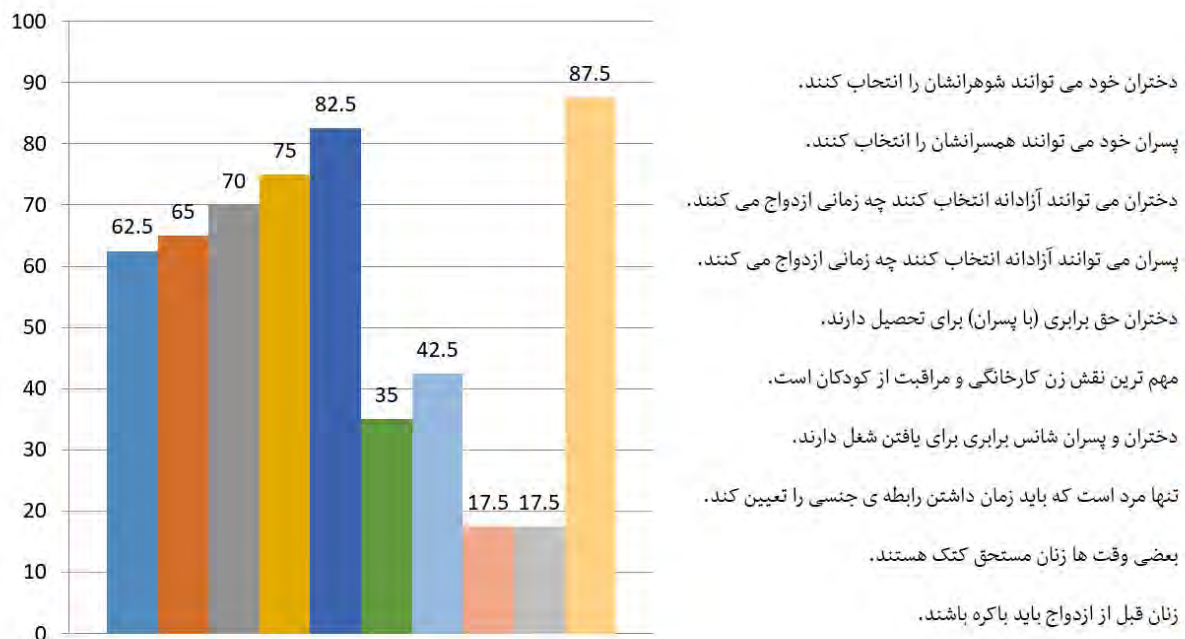
دانش در خصوص زخم پارگی زایمان در میان زنان پایین بود. حتی وقتی با استفاده از اصطلاحات محلی، توضیحات بیشتری در اختیار آن‌ها قرار گرفت اکثریت زنان حتی کسانی که بیش از ۱۵ بخیه را در حین زایمان داشتند، نمی‌دانستند که در واقعیت زخم پارگی زایمان را تجربه کرده‌اند.

مطالعه نشان داد ۴۲ درصد از پاسخگویان مرد هنگام تولد اولین فرزندشان ۱۷ سال سن داشتند. در زمان مطالعه آن‌ها صاحب دو فرزند بودند. در مناطقی که ازدواج زودهنگام کودکان رایج بود، والدین تصمیمات مربوط به ازدواج را بجای افراد می‌گرفتند. تقریباً ۷۶/۲ درصد از افراد متأهل در زمان ازدواج، از شکل‌گیری ازدواج خودشان باخبر بودند. ولی ۲۳ درصد از افراد هیچ اطلاعی از اینکه با چه کسی ازدواج می‌کنند، نداشتند. ۵۲/۴ درصد از تصمیم‌های ازدواج توسط والدین یا سایر اعضای خانواده به غیر از خود فرد گرفته شده بود. در زمانی که مراسم ازدواج ترتیب داده شده بود ۴۲/۹ درصد از افراد تمایل به ازدواج نداشتند.

باوجود مخالفت فرد در خصوص ازدواج، زمانی که وصلت در حال شکل‌گیری بود، تنها ۱۵ درصد از افرادی که نمی‌خواستند ازدواج کنند، در این خصوص با خانواده‌شان صحبت کرده بودند. مابقی مطمئن بودند که ازدواج طبق میل آن‌ها به هم نخورده و سر می‌گیرد.

اطلاعات دقیق درباره سلامت جنسی و باروری آن‌ها و همچنین حمایت و مهارت‌های لازم برای راحت بودن و اعتمادبه‌نفس در خصوص بدن و میل جنسی‌شان نیز ناچیز بود. آموزش جنسی در مدارس وجود نداشت و یا بسیار ناچیز و با حداقل کیفیت ارائه می‌شد. به‌طورکلی ۶۰ درصد پاسخگویان عقیده داشتند که ازدواج زودهنگام کودکان باید متوقف شود و ۳۲/۵ درصد عقیده داشتند که این امر بستگی به ویژگی بدنی و عقیده شخص دارد. هیچ‌کدام از پاسخگویان اطلاعی از سن قانونی ازدواج نداشتند. زمان پاسخگویی به این سؤالات آن‌ها می‌پنداشتند سن قانونی ازدواج ۱۸ سال به بالا است. اکثریت آن‌ها معتقدند سن ۱۵ سالگی برای ازدواج دختران و ۲۰ سالگی برای ازدواج پسران زود است و بر این باور بودند سن ایدئال برای ازدواج برای فرزندانشان ۲۰ سالگی است.

۲۱/۲ درصد از زنان متأهل بیان کردند که مجبور به رابطه جنسی با شوهرانشان بودند و تعداد کمی از آن‌ها توانایی این را داشتند که با شوهرشان در مورد عدم علاقه به رابطه جنسی بحث و مذاکره کنند زیرا می‌پنداشتند آمیزش جنسی به‌طور اجتناب‌ناپذیری بخشی از وظایف زناشویی آن‌هاست. رایج‌ترین واکنش اساسی به این آمیزش اجباری ناراحتی (۴۲/۹ درصد)، نفرت (۲۸/۶ درصد) و خشم (۲۸/۶ درصد) بود.



شکل ۳. نمودار موافقت با نگرش های جنسی در استان خراسان رضوی

استان آذربایجان شرقی

آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۳ نشان داد که استان آذربایجان شرقی دارای ۳۸۰۷۰۰۰ نفر جمعیت می باشد. پایتخت این استان (تبریز) به عنوان پایتخت اسلامی و هنری ایران و قطب صنعتی برای قرن ها شناخته شده است و شامل ۱۲ شهر ترک نشین می باشد. ازدواج زودهنگام کودکان دارای کارکرد در نظر گرفته شده و هنوز هم توسط خانواده ها اعمال می شود. با این حال در نواحی روستایی و مناطق فقیرنشین رواج آن بیشتر است. به طور شفاف همبستگی معنی دار و غم انگیزی بین مشقت های اقتصادی و مقبولیت ازدواج کودکان وجود دارد.

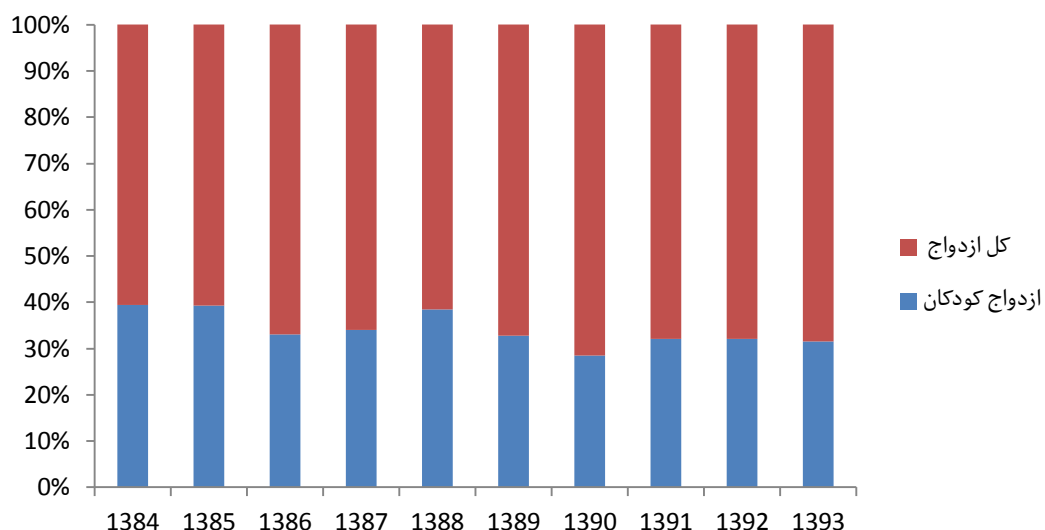


در برخی از روستاهای شهر سراب، کودکان در نوزادی نافبر و برخی در سن دهسالگی ازدواج می کنند.
عکس از: کامیل احمدی

مشاهدات در روستاهایی مانند گیلک آباد نشان داد که دختران در سن یک یا دوسالگی نامزد شده و تقریباً هیچ بچه‌ی مجردی بالای سن پنج سال در روستا وجود نداشت. در مصاحبه‌های محلی که در آن بومی‌ها هنجارها و مناسک خود را بیان می‌کردند، رواج ازدواج زودهنگام در این روستا مورد تأکید قرار می‌گرفت. در گیلک آباد یک نوزاد شش‌ماهه نامزد می‌شد. به نقل از یک پاسخگوی مرد در حین مصاحبه، جنین در رحم مادرش با شخص دیگری نامزد می‌شود.

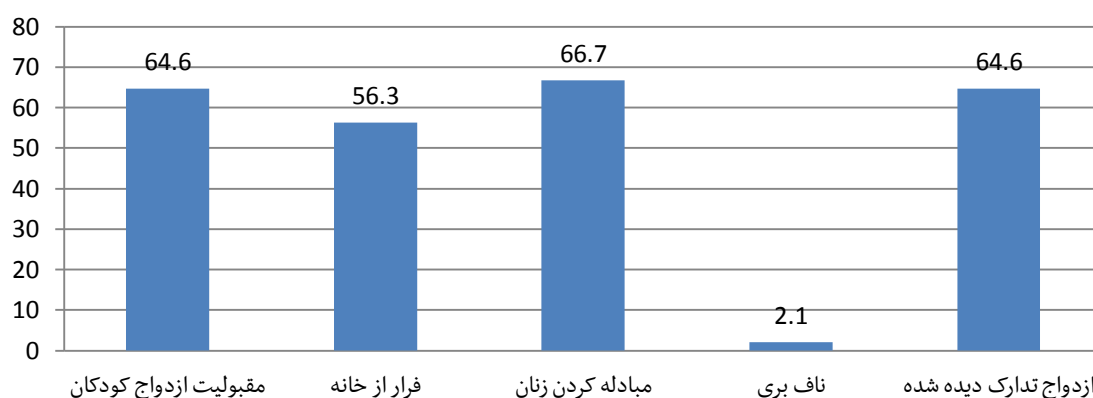
"هیچ بچه‌ی مجردی بالای سن ۱۳ سال تو روستا نیست. همه زیر دوازده سال ازدواج کردن. عروس ما یک سالش بود که واسه برادرم گرفتنش. من خودم ۱۲ سالم بود، نصف شب بود خواب بودم، همسایه مون در زد و او مدن بهم حلقه دادن."

فاطمه، ۲۳ ساله
گیلک آباد (سراب)، آذربایجان شرقی



شکل ۴. نمودار نسبت ازدواج زودهنگام کودکان به کل ازدواج‌ها در استان آذربایجان شرقی

۷۰,۸ درصد از پاسخگویان در زمان انجام پژوهش، ازدواج کرده بودند و کمتر از ۲۰ درصد (۱۸,۸ درصد از آن‌ها) در مراسم ازدواج خود حضور نداشتند. در ۷۵ درصد از موارد یک نامزدی رسمی توسط خانواده‌شان تدارک دیده شده بود. مجموع ۱۸,۶ درصد از پاسخگویان مجرد بوده و در میان متأهلان ۷۰,۸ درصد از ازدواج‌ها به محض ازدواج در مدارک شناسایی‌شان ثبت شده بود.



شکل ۵. نمودار رواج انواع ازدواج در استان آذربایجان شرقی

استان خوزستان

استان خوزستان سومین استان هدف در این مطالعه بود. این استان در جنوب غربی ایران واقع شده و در سال ۱۳۹۳ دارای جمعیتی برابر با ۴۷۲۴۰۰۰ نفر بوده است. علی‌رغم تنوع در قومیت و زبان در این ناحیه چیزی که مشاهده شد، مجموعه‌ای از شباهت‌های فرهنگی ثابت و رایج در مناطق روستایی بود. استدلال عقلانی‌ای که شایان توجه خاصی در این باره است، الگوهای اقلیمی است. نشانه‌های محیطی مربوط به اقلیم و نور در جامعه‌ای با تنوع زیاد در زمان بلوغ در سراسر دنیا جالب توجه است. دما و آهنگ نور-تاریکی جغرافیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فصل‌ها ممکن است شاخص و تقارن باروری را بر این اساس تنظیم کنند. اقلیم گرمسیری در این ناحیه دلیل بلوغ زودهنگام در بین دختران و پسران است به این معنا که کودکان علی‌رغم سن بیولوژیکی‌شان ممکن است به‌عنوان بزرگسالی در نظر گرفته شوند که برای ازدواج آماده است. در دل این امر ازدواج کودکان ریشه در نابرابری جنسی و این باور دارد که زنان و دختران پایین‌تر و پست‌تر از پسران و مردانند.

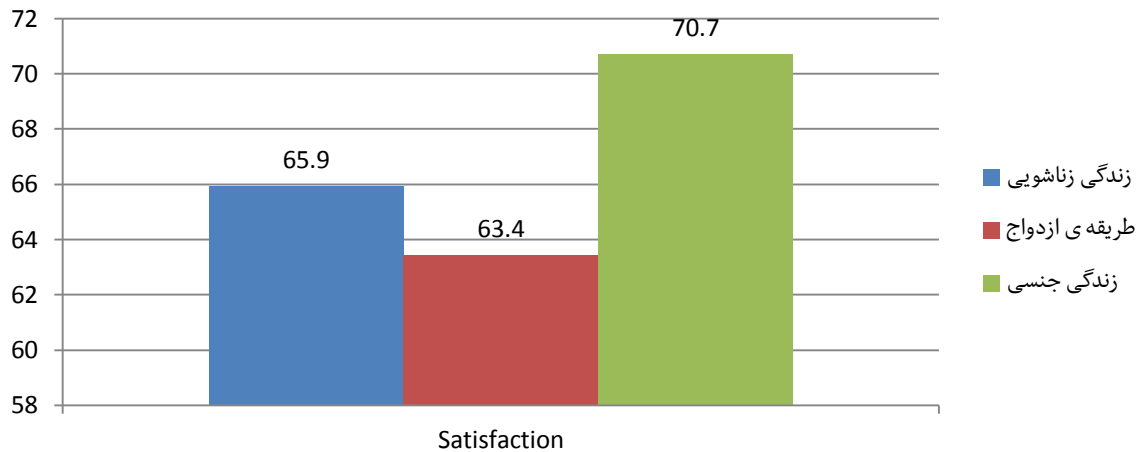
**" ما خواهر ۱۳ ساله مونو دادیم به پسر
عموم که اون موقع ۱۹ سالش بود. ازدواج
کرد و ما ۴ میلیون تومن گرفتیم"**

پاسخگوی مرد، ۲۱ ساله
کعبه عبود، خوزستان

ازدواج‌های فامیلی از لحاظ مناسک و مراسم در خانواده‌های عرب زیاد متفاوت نیست. برخلاف آنچه در سایر قومیت‌ها دیده شده، در خانواده‌ی عرب داماد به‌طور کامل مسئول خرید جهیزیه است. جهیزیه در چنین فرهنگ‌هایی نماد کاملی از اعتبار و آبروست. مهریه نیز تحت تأثیر خویشاوند بودن داماد است یعنی اگر داماد پسرعمو، پسرخاله یا سایر بستگان عروس باشد، مهریه پایین‌تر از زمانی است که داماد یک غریبه باشد.

به نقل از افراد مطلع محلی در نواحی اطراف آبادان یک عمل رایجی وجود دارد که مردمان محلی آن را "خریدن سن" می‌نامند. مطابق تجربه و ادعای آن‌ها خانواده‌هایی که دارای دختری خردسالی هستند که ازدواجش به خاطر سن پایین نمی‌تواند ثبت شود، به دادگاه خانواده مراجعه کرده و سن لازم برای ثبت قانونی ازدواجش را می‌خرند (از طریق دلال‌ها که با کارمندان دادگاه ارتباط دارند). قیمت هر مورد بستگی به تعداد سال‌هایی دارد که تا رسیدن به ۱۳ سال کم آورده‌اند. این مقدار پول از ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان متغیر است.

در مجموع ۷۵ درصد از مردان مصاحبه‌شونده دارای ۲ فرزند بودند و ۲۵ درصد از آن‌ها در سن ۱۶ سالگی پدر شده بودند. در بسیاری از موارد ازدواج کودکان، دختران به همسری مردان بسیار بزرگ‌تر از خودشان درآمده بودند و هیچ اختیاری از خود در خصوص انتخاب همسر نداشتند. مشاهدات ما گواه بر این است که بیش از نیمی از این گروه ذکر کردند که شوهرانشان حداقل ۱۰ سال از خودشان بزرگ‌ترند.



شکل ۶. نمودار رضایت از ازدواج در استان خوزستان

" سقط جنین اینجا رایجه. همه ی دخترایی که توی این سن ازدواج می کنن، همه با این مسأله مواجهن. عروس ما ۱۳ سالشه دو دفعه سقط جنین داشته. توی سن ۱۳ سالگی ۴ بار زایمان کرده.

بعد از ازدواج با فشار و اجبار همه باید سر نه ماهه بچه دار بشن. به خاطر این مشکل سقط جنین پیش میاد."

پاسخگوی زن، ۳۲ ساله
الوان (شوش)، خوزستان

۳۹ درصد پاسخگویان ذکر کردند که هیچ فایده‌ای در ازدواج زودهنگام کودکان وجود ندارد و ۲۲ درصد بر این اعتقاد بودند که جلوگیری از رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج یک فایده و نقطه‌ی قوت در ازدواج زودهنگام کودکان است. بسیاری از پاسخگویان دانشی در خصوص سن قانونی ازدواج نداشتند و این کمبود آگاهی در مورد قانون و ازدواج کودکان در نقش مانعی برای پایان عمل ازدواج کودکان ظاهر می‌شود.

استان سیستان و بلوچستان

این استان با اقلیم بیابانی و خشک‌ش یکی از فقیرترین و محروم‌ترین نواحی ایران است. آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۳ نشان داد که جمعیت این استان برابر با ۲۷۲۴۰۰۰ نفر است. رواج ازدواج زودهنگام کودکان در هردوی نواحی مسکونی روستایی و شهری بالاست و تفاوت‌ها در میان این مناطق بسیار ناچیز است. پارادوکس و تناقض ازدواج دیرهنگام که در بیشتر شهرهای مراکز استانی و مناطق شهری وجود دارد، در منطقه‌ی سیستان و بلوچستان چشمگیر به نظر نمی‌رسد. جمعیت این استان در یک سیستم قبیل‌ای و طایفه‌ای زندگی می‌کنند که در آن رضایت در خصوص ازدواج کودکان فقط تحت تأثیر فرهنگ نیست. کمبود آگاهی، فقر، تبعیض گسترده‌ی جنسی بر روی دختران از علل اساسی‌ای هستند که والدین را وادار به ازدواج دادن دختران و پسرانشان قبل از سن ۱۸ سالگی می‌کند. علاوه بر این والدین نمی‌توانند از پس مخارج مدرسه یا دانشگاه فرزندان‌شان برآیند. در نتیجه آن‌ها را وادار به ازدواج می‌کنند. مشکلات حاد بارداری و زایمان از علل عمده‌ی مرگ‌ومیر در میان زنان ۱۵ الی ۱۹ ساله در این استان است. سازمان بهداشت جهانی گزارش داد که در سال ۱۳۸۹ در برخی استان‌ها مرگ‌ومیر مادران بیشتر از نوزادان بود. به این معنا که در استانی مانند سیستان و بلوچستان مادران به دلیل زایمان می‌میرند. با در نظر داشتن اینکه این استان نرخ ۵,۶۴ درصدی تولد و ۱۲ درصد مرگ مادر در کشور را داراست، میزان مرگ‌ومیر مادر در این استان بسیار بالاتر از سایر استان‌های کشور برآورد می‌شود. سایر استان‌ها مانند آذربایجان غربی، خوزستان، کرمان، لرستان و اصفهان درصدهای کمتری از مرگ مادر را گزارش کرده‌اند.^{۷۳} در سال ۱۳۹۴ سیستان و بلوچستان بالاترین میزان زایمان را در میان مادران زیر سن ۱۵ سال داشت (۴۶۲ مورد).

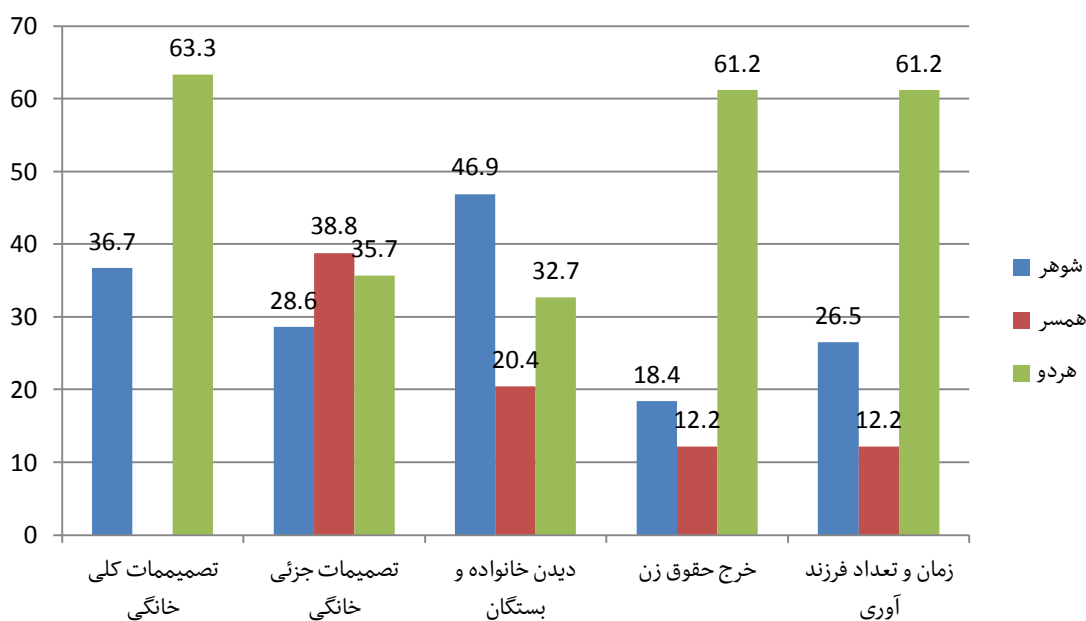
در مقایسه با سایر نواحی قدرت فشار اجتماعی بر ازدواج دادن فرزندان پایین بود. حرکت مدافعانه‌ی قوی‌ای در خصوص ازدواج کودکان در این استان به وجود نداشت. زیرا این امر رایج بود که به‌طور کامل پذیرفت شده و وضعیت نرمال تلقی می‌شد. از آنجاکه این پدیده با مخالفتی روبرو نشده بود، واکنش اجتماعی مربوط به آن‌هم برای تقویت ازدواج کودکان و حمایت از آن صورت نگرفته است.

تقریباً تمامی پاسخگویان در این مطالعه ذکر کرده‌اند که رسم ازدواج ناف بری یا برای خودشان، بستگان‌شان یا یکی از کسانی که می‌شناختند، صورت گرفته بود. این رسم فراگیر به این معناست که دو نوزاد با رضایت والدین‌شان به نامزدی هم درمی‌آیند و قرار بر این است زمانی که بزرگ شدند باهم ازدواج کنند. رواج این پدیده به طرز چشمگیری در همه‌ی روستاهای موردبررسی بالا بود. همان طوری که توسط افراد مطلع محلی گفته شد، فرد می‌تواند این وصلت نانوشته را در بزرگسالی اش لغو کند و تصمیم بگیرد که با

کس دیگری ازدواج کند. بر اساس پاسخ‌هایی که از خود پاسخگویان شنیدیم این رد کردن ازدواج چیزی است که معمولاً اتفاق می‌افتد. حق شکستن این پیمان توسط جامعه به فرد داده شده ولی به‌طور عمومی امری است که تقبیح شده است. زیرا نگاه داشتن چنین پیمان‌های خانوادگی و قبیله‌ای بسیار مهم تلقی می‌شود. نسبت ازدواج زودهنگام کودکان به ازدواج کل در سیستان و بلوچستان در طول دهه‌ی اخیر هیچ‌گاه کمتر از ۴۰ درصد نبوده است.

هیچ‌کدام از پاسخگویان در هنگام مصاحبه در حال تحصیل نبودند و عمده‌ترین دلیل ترک تحصیل خود را ازدواج می‌دانستند. ازدواج ۷۷٫۶ درصد از پاسخگویان توسط یک فرد میانجی تدارک دیده شده بود. ۵۱٫۱ درصد از افراد گفتند که یک نامزدی رسمی از طرف خانواده‌هایشان برایشان برگزار شده بود. ۵۱٫۵ درصد از زنان، شوهرانی کمتر از ۱۰ سال بزرگ‌تر از خودشان داشتند و ۳۷٫۵ درصد از مردان با زنانی کمتر از ۱۰ سال کوچک‌تر از خودشان ازدواج کرده بودند.

اکثر پاسخگویان (۴۲٫۹ درصد) هرگز در معرض پیام‌های پیشگیرانه از ازدواج زودهنگام کودکان و یا در معرض آموزش جنسی قرار نگرفته بودند. همه‌ی پاسخگویان از سن قانونی ازدواج بی‌اطلاع بودند.



شکل ۷. نمودار تصمیم‌گیری‌های خانگی در استان سیستان و بلوچستان

استان آذربایجان غربی

براساس آخرین سرشماری جمعیت استان آذربایجان غربی برابر با ۳۲۱۰۰۰ نفر است که تقریباً نصف استان را کردها و نصف دیگر را ترک‌های آذری تشکیل می‌دهند. بررسی جامع در حین اولین مرحله‌ی مطالعه این منطقه نشان داد که رسوم ازدواج و هنجارها در نواحی مختلف این استان متفاوت‌اند و به‌این ترتیب تیم پژوهش با منشوری از تفاوت‌های بی‌شمار فرهنگی و جزئیات متفاوت در هر منطقه‌ی موردبررسی آشنا شد. در برخی مناطق مانند بابل‌آباد (خوی) رایج‌ترین و مقبول‌ترین شکل ازدواج فرار از خانه بود. در برخی مناطق با توجه به اهمیت باورهای مذهبی مشابه (سنی و شیعه) همان‌طور که در منطقه روستایی زنگلان (ارومیه) دیده شد، ازدواج با افراد خارج از این دو فرقه نامرسوم بود. برخلاف این امر اکثر روستاها مانند روستای ترکان (ارومیه) داشتن باور دینی



روستای بیلوار (خوی) دارای رواج بالای ازدواج کودکان می‌باشد.
عکس: کامیل احمدی

یکسان یک موضوع مهم در شکل‌گیری ازدواج نبود. در ترکان آنچه به فراوانی یافت می‌شد، رواج قابل‌توجه رسوم تبادل زنان و فرار از خانه بود. فشار اجتماعی برای ازدواج زودهنگام عمده‌ترین دلیلی بود که نمی‌گذاشت والدین اجازه دهند فرزندان خردسالشان مجرد باقی بمانند. در برخی موارد دلیلی که بازگو می‌شد مقبولیت این ازدواج‌ها توسط مردها و همچنین زنان بود. معمولاً پدر، برادر یا سایر سرپرستان مرد در خانواده تحصیلات و آموزش را یک انحراف اجتماعی و درنهایت تهدیدی برای عفت و پاک‌دامنی دختر تلقی می‌کنند. جالب اینکه مادران جوانی که خودشان بازمانده‌ای از ازدواج زودهنگام کودکان بودند، این میراث را به دختران خودشان با اجازه ندادن به او برای تحصیل و سایر انتخاب‌های زندگی‌اش منتقل می‌کردند.

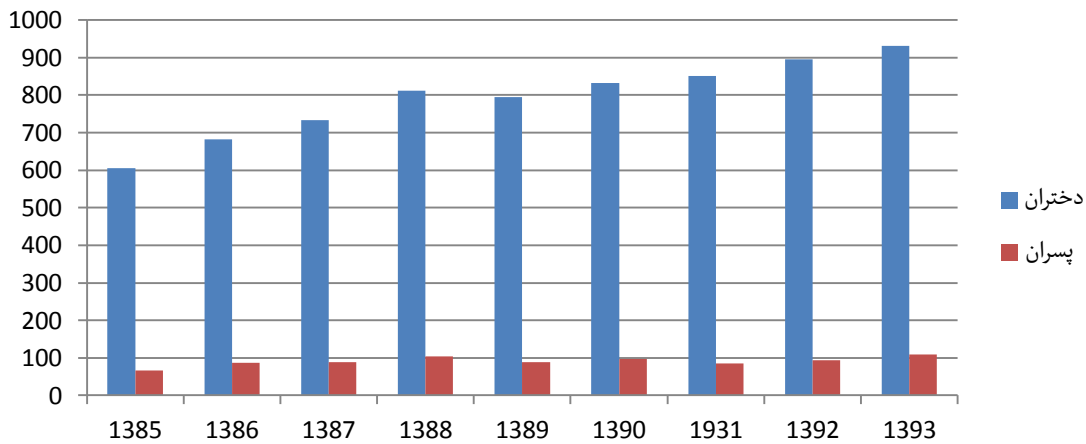


" من در این مصاحبه به کتاب‌ها و آموزه‌های دینی مراجعه نمی‌کنم. واضح است که دین اسلام جوانان را تشویق به ازدواج در جوانی کرده و تأکید دارد که خانواده‌ها شرایط ازدواج فرزندان‌شان را تسهیل کنند. اعتقاد شخصی من این است که با توجه به عواقب خطرناک ازدواج زودهنگام، و با در نظر گرفتن شرایطی که جامعه‌ی امروزی در آن زندگی می‌کند، ازدواج

زودهنگام آسیب‌های جسمی، جنسی و روانی به کودک وارد می‌آورد. از این رو بنده شخصاً بر این باورم که سن مناسب برای ازدواج بالای ۱۸ سالگی است. با این حال ازدواج در سن کم تنها زمانی که ضروری و تنها راه حل باشد اجتناب‌ناپذیر است. من همیشه به پسرانم (دختر ندارم) گفته‌ام بروید و عاشق شوید. عشق زیباست. انسانی ست. اما مراقب باشید که از رابطه‌تان سوءاستفاده نکنید و از حد و مرزها نگذرید. زیرا عواقب زیانبار فرهنگی و اجتماعی برای دختر دارد."

ملا حاج سید حسن واژی، امام جماعت مسجد عشره و بشره
پیرانشهر، آذربایجان غربی

مطابق شکل زیر آمار طلاق در هر دو جنسیت‌ها در این استان در حال افزایش بوده است اما سطح این افزایش در میان دختران زیر ۱۸ سال در مقایسه با پسران بالاتر است. این بدان معناست که هر ساله شمار بیشتری از کودکان بیوه می‌شوند. خصوصاً زمانی که دختری خردسال با مردی بسیار بزرگ‌تر از خودش ازدواج کرده است، این امر دیده شده است. داغ اجتماعی و لکه‌ی ننگی که طلاق برای فرد به همراه می‌آورد و موقعیتی که زنان در این جامعه دارند، ازدواج‌های از هم پاشیده شده بسیاری از دختران را وادار به تنها زندگی کردن و بزرگ کردن فرزندانشان بدون حمایتی می‌کند.



شکل ۸. نمودار فراوانی طلاق‌های زیر سن هجده سال در استان آذربایجان غربی

۶۱,۸٪ از زنان حداقل دو زایمان داشته و میانگین سن در اولین زایمانشان ۱۷ سال بوده است (۲۰,۶ درصد). بسیاری از مردان پاسخگو نیز (۷۴,۴ درصد) حداقل دارای دو فرزند بودند و بسیاری از آنها در زمان تولد اولین فرزندشان ۱۷ سال سن داشتند (۴۵,۷ درصد).

استان هرمزگان

جمعیت ۱۶۷۶۰۰۰ نفر از قومیت های فارس، عرب و بلوچ ساکنان این استان هستند که مخلوطی از جمعیت شیعه و سنی مذهب دارد. یک اعتقاد رایج در استان هرمزگان مشابه سایر مناطق استوایی این است که گرما و دما رشد و بلوغ افراد را تسریع می کند. دختران بر همین اساس سریع تر رشد می کنند و جسماً به قدر کافی بالغ می شوند که در سنین پایین ازدواج کنند. این امر حتی در زمانی که سن فرد عامل تعیین کننده ی ازدواج نیست صدق می کند. توجیه اسلامی ازدواج زودهنگام کودکان این است که فرد باید هر چه زودتر تحت چنین شرایطی ازدواج کند.



اتاق حجله در جزیره ی قشم، استان هرمزگان.
عکس: م. معارف وند

برخلاف کم بودن تأکید بر روی مهریه این اهمیت بر روی هزینه ای قرار داده شده که صرف مراسم ازدواج و فراهم کردن اتاق حجله اتاقی که در آن زوج اولین شب ازدواجشان را در آن می گذرانند می شود. مقدار زیادی پول صرف طراحی و آراستن متجملانه ی اتاق حجله در منزل پدری عروس می شود. بر اساس رسوم و هنجارهای اجتماعی زوج در این اتاق تا چهل روز اقامت می کنند.

۲۹,۴ درصد از پاسخگویان اطلاعی نداشتند که با چه کسی ازدواج می کنند. ۵۱ درصد گفتند که در زمان ازدواج خوشحال بوده اند، ۱۹,۶ بی تفاوت و ۱۹,۶ درصد به خاطر اجبار به ترک مدرسه ناراحت بودند. ۵۶,۹ درصد از پاسخگویان می خواستند که فرزندانشان نیز به همان شیوه ای که خودشان ازدواج کرده بودند، وصلت کنند. مجموع ۶۶,۴ درصد از ازدواج ها شامل جهیزیه و ۹۰,۲ درصد آن شامل مهریه می شد و در ۳۹,۲ درصد از موارد هیچ کدام از این ها به عروس پرداخت نشده بود.

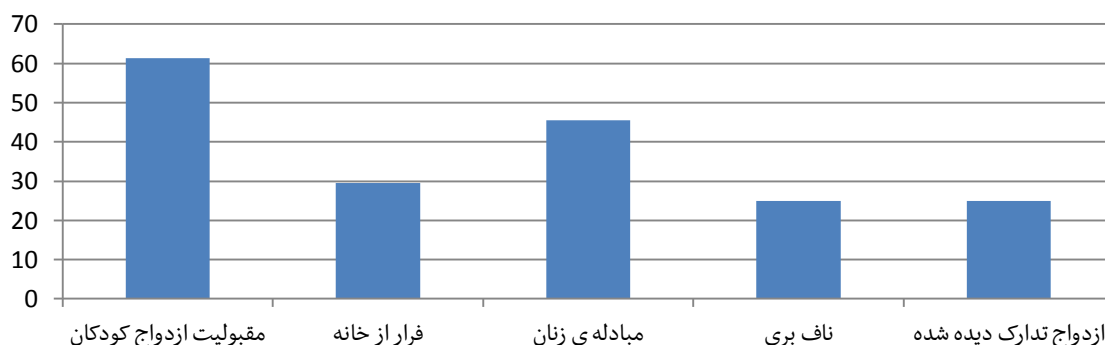
اکثریت پاسخگویان (۳۷,۳ درصد) معتقد بودند که هیچ فایده ای در ازدواج در سن پایین وجود ندارد. درحالی که ۱۹,۶ درصد پاسخگویان این امر را به عنوان یک عامل تقویت کننده ی ارتباطات و پیوندهای خانوادگی می دانستند. در مجموع ۳۹,۲ درصد از افراد گفتند که ازدواج دیرهنگام منجر به سطوح بالاتر آموزش و فهم بین زوجین می گردد و ۱۱,۸ درصد از آن ها کاهش بارداری های نوجوانی را به عنوان یک فایده ی ازدواج دیرهنگام ذکر کردند.

استان اصفهان

آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۳ نشان داد که جمعیت این استان برابر با ۵۰۰۷۰۰۰ نفر می باشد. ۷۱,۴ درصد از پاسخگویان مرد حداقل دو فرزند داشتند و ۲۸,۶ درصد از آن ها در سن ۱۶ سالگی پدر شده بودند. ۸۴,۱ درصد از افراد متأهل از ازدواجشان مطلع بودند و ۱۵ درصد از آن ها در زمان عقد نمی دانستند که با چه کسی ازدواج می کنند. ۴۷,۷ درصد از تصمیمات ازدواج توسط والدین و سایر اعضای خانواده به جای فرد گرفته شده بود.

شکل ۹. نمودار انواع ازدواج در استان اصفهان

تفاوت سنی بین زن و شوهر در ۱۰,۸ درصد از موارد بیش از ۱۰ سال بود و در ۲۹,۷ درصد پایین تر از ۱۰ سال. علاوه بر این ۵۷,۱ درصد از مردها همسرانی داشتند که تقریباً هم سن و سال خودشان بودند. ۴۰,۹ درصد در



مواجهه با پیام های پیش گیرانه ازدواج زودهنگام کودکان توسط تلویزیون قرارگرفته بودند و ۲۹,۵ درصد توسط دوستان و ۱۵,۹ درصد هرگز اطلاعی از چنین پیام های پیشگیرانه ای نداشتند. به طور کلی ۲۰ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که ازدواج زودهنگام کودکان باید متوقف شود. ۲۹,۵ درصد باور داشتند که این ازدواج ها باید ادامه یابد و ۵۰ درصد تداوم آن را به ویژگی های فردی، اندازه ی بدن و رفتار فرد وابسته می دانستند. بسیاری از پاسخگویان ذکر کردند که شاهد خشونت خانگی در زمان طفولیت شان بودند.

فصل چهارم:

راهکارهای عملی



"همه‌ی دخترا از یه سن به بعد به فکر ازدواجن، مادر نسل جدید فکرِ دانشگاه بچه شه. اما مادرِ قدیمی اینجا همش می‌گه دختر فلانی ازدواج کرد. این طرز فکر مادریه که تأثیر داره حتی اگه پدر مخالفت کنه. اگه مادر سیاستش رو داشته باشه راضیش می‌کنه. اگه مادر تسلط داشته باشه به خونه، می‌تونه."

زهره، ۳۲ سال

همسر شورای شهر الوان (شوش)، خوزستان

فصل چهارم: راهکارهای عملی

جامعه بین‌المللی برنامه‌ی توسعه‌ی پایدار جهانی را در تعویق اثرات زیان‌بار ازدواج زودهنگام کودکان تأثیرگذار شمرده است. در ساختار اهداف توسعه هزاره (MDGs) مصوب سال ۱۳۸۲ هدف دگرگونی سازی جهانمان: سازوکار سال ۱۴۰۹ برای توسعه پایدار در سال ۱۳۹۴ توسط سازمان ملل مطرح شد تا در ریشه‌کن‌سازی فقر و رسیدن به توسعه جامع تا سال ۱۴۰۹ کمک کنند. در بین ۱۷ هدف توسعه پایدار و ۱۶۹ هدف ذیل هدف ۳-۵ "زدودن تمامی اعمال آسیب‌زا از جمله ازدواج اجباری و زودهنگام کودکان و ناقص سازی اندام جنسی زنان"، هدف زیرشاخه‌ای ۵ "رسیدن به برابری جنسی و توانمندسازی تمامی زنان دختران و زنان" را شامل می‌شود.

ایران تا به حال در خصوص آثار علمی در مورد ازدواج کودکان ساکت مانده است. جهت تحلیل کودک همسری در حوزه زندگی اجتماعی از پرسشنامه‌هایی به‌عنوان ابزار تحلیلی در خصوص حوزه‌های اجتماعی زیر استفاده شد: پیش‌زمینه فردی، بعد خانواده و وضعیت آن، باورهای دینی، سطح وابستگی به ازدواج کودکان، وضعیت دینی والدین، سطح تحصیلی، اطلاعات باروری پاسخگویان زن و مرد، هنجارهای ازدواج، ثبت آن، رسوم زناشویی، سطح قرار گرفتن در معرض پیام‌های پیشگیرانه از کودک همسری، نگرش‌های جنسیتی خانواده و تصمیم‌گیری‌های فردی، تجربه خشونت جنسی زنان و تجربه مردان از خشونت خانگی.

از این منظر یافته‌های تحقیق در مورد اثرات ازدواج زودهنگام کودکان بر شرایط اجتماعی به‌صورت تصویری درآمده که زمینه را برای ارائه توصیه‌های منسجم و فعالیت اصلاحی فراهم می‌نماید.

ازدواج زودهنگام کودکان تنها در بافت‌های فرهنگ خاص خودش است که منطق و عقلانیت می‌یابد. بدون در نظر گرفتن تمامی حوزه‌های اجتماعی ذکرشده در بالا هر حرکتی به سمت بهبود و پیشرفت اتلاف منابع، زمان و سرمایه خواهد بود.

جایگاه غالب ازدواج کودکان در زنجیره نابرابری جنسیتی تحت تأثیر فقر، توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی و جنسی، هنجارهای جنسی ضمنی، کلیشه‌های جنسی، فشار اجتماعی و سختی‌های خانوادگی همچنان تداوم می‌یابد. تغییر این وضعیت نیازمند سیاست‌گذاری‌های جدید و یافتن راهکارها و قبول هنجارهایی است که بازتابی از برابری جنسیتی می‌باشد.

ازدواج زودهنگام کودکان یک بیماری اجتماعی است و تمامی بیماری‌ها را نمی‌توان با یک روش یکسان تسکین و درمان کرد. ازدواج زودهنگام کودکان هم علت و هم معلولی از خشونت علیه کودکان است. قدرت مسلط مردانه که امیال جنسی، باروری و شکل‌گیری کودک همسری را به‌عنوان گزینه‌ای برای فرار از فقر و خشونت بر مبنای جنسیت قرار می‌دهد، باید در نظر گرفته شود. راهکار این پدیده آسیب‌زا و مخرب باید

به قدر کافی انعطاف‌پذیر باشد که بتوانند تفاوت‌های ظریف را و اینکه چگونه در قلمرو جغرافیای هر منطقه جواب خواهد داد، مورد توجه قرار دهد. داده‌های کمی و کیفی در مورد ازدواج کودکان جمع‌آوری و تحلیل شده است و بر مبنای جنسیت، موقعیت جغرافیایی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی و سایر عوامل کلیدی دیگر تحلیل شده است تا این فرایند را بازنمایی کند. ریشه‌کنی ازدواج زودهنگام زمانی محقق خواهد شد که اطلاعات به روز در دسترس ارگان‌های حکومتی و مسئولینی که می‌توانند تصمیمات عاقلانه و خطیری برای جلوگیری از ازدواج زودهنگام بگیرند، قرار گیرد. متأسفانه آنچه از لحاظ تاریخی در این میان کم است مطالعات دانشگاهی و تحقیقاتی است که در اختیار سیاست‌مداران دولتی قرار گیرد.

ازدواج زودهنگام و ترک تحصیل وقایع توأمی هستند که نقطه پایانی برای فرصت پیشرفت در زندگی دختران خردسال می‌باشد. یافته‌های تحقیق در این زمینه حیرت‌آور است. در این زمینه دلایل چندگانه دیگری بر طبق وضعیت هر استان ذکر شد. برای مثال فقر و عدم توانایی در پرداخت شهریه عمده‌ترین دلیل ترک تحصیل در استان هرمزگان بود. در آذربایجان شرقی مدارس که بسیار دور بودند به‌عنوان دلیل عمده ترک تحصیل اعلام شد.

دلیل بنیادی اینکه چرا ازدواج زودهنگام کودکان در جامعه سنتی ایران تداوم یافته جهان‌بینی مردسالارانه می‌باشد. این همان دلیلی است که کودک همسری نسل‌ها است در فرهنگ ایران باقی‌مانده است. علی‌رغم اینکه اکثریت پاسخگویان (۴۸ درصد) معتقد بودند که کودک همسری باید متوقف شود، هنوز بسیاری از مردم مصرانه آن را اعمال می‌کردند حتی در میان کسانی که آن را مردود می‌شمردند. از نظر آن‌ها اثرات زیانبار ازدواج کودکان هزینه کوچکی است که باید برای تبعیت از هنجارهای جامعه سنتی پرداخت.

ازدواج زودهنگام کودکان در زمانی که جامعه در میانه کشمکش‌ها و مخاصمات اجتماعی است به‌عنوان یک مکانیزم دفاعی دیده می‌شود. زمانی که ناآرامی‌ها یا فجایع طبیعی در یک کشور اثر می‌گذارد دختران اولین کسانی هستند که لطمه می‌بینند. والدین به ازدواج دادن بچه‌هایشان به‌عنوان مکانیزمی برای دست‌وپنجه نرم کردن با این بلایا متوسل می‌شوند تا درجاتی از امنیت و رفاه را برای دخترشان خصوصاً در زمانی که خطر خشونت جنسی افزایش می‌یابد، تضمین کنند.

قشربندی اجتماعی خود باعث شکل‌گیری ازدواج کودکان است. در روستاهایی که ساکنین در اقشار بالاتر اقتصادی قرار داشتند، نرخ ازدواج کودکان با افزایش روبه‌رو می‌شد. این تمایز اقتصادی به کودک همسری به‌عنوان ابزاری به طبقه‌بندی اجتماعی دامن می‌زند. خانواده‌ها ترجیح می‌دهند فرزندانشان با افرادی در طبقه‌ی اقتصادی خود ازدواج کنند تا سلسله‌مراتب نظم و قدرت و رفاه را حفظ کنند.

زمانی که بین هنجارهای اجتماعی و تفسیرهای دینی تضاد وجود داشته باشد، این دومی است که خود را با اولی تطبیق می‌دهد. در مورد ازدواج زودهنگام، ننگ اجتماعی از دست دادن آبرو در جامعه و ترس از

مطروح شدن به خاطر تبعیت نکردن از هنجارهای اجتماعی علل رواج کودک همسری هستند. رسوم نامناسب رایج و هنجارهای جنسیتی- فرهنگی اجتماعی که در جوامع ایرانی وجود دارد، به نگهداشت رسم کودک همسری کمک می‌کند. در جامعه سنتی که در آن از دست دادن بکارت هنوز یک تابو است، رسوم پیرامون ازدواج و نامزدی، برای جلوگیری از تغییر این تابوها شکل می‌گیرد. در ۴۵/۹ درصد از موارد تصمیم انتخاب شریک زندگی توسط خانواده و در ۱۵/۷ درصد توسط بستگان یا آشنایان گرفته شد. انحراف از هنجارها امری نادر است. به محض اینکه دختر بچه به سن خاصی می‌رسد معمولاً در اوایل نوجوانی به‌عنوان تهدیدی قلمداد می‌شود که باید به‌سرعت ازدواج کند.

زنان با کمبود تحصیلات و فرصت‌های کم مشارکت‌های اجتماعی موقعیت سرکوبگرانه یکسانی را به دختران خود منتقل می‌کنند. با غفلت در تغییری که می‌توانستند به‌طور بالقوه در زندگی دخترانشان به وجود بیاورند، قربانیان کودک همسری که اکنون بازماندگان آن هستند، دقیقاً همین محدودسازی را با همان شیوه‌ای که خود تجربه کردند، در حق کودکانشان مرتکب می‌شوند.

"همه‌ی دخترا از یه سن به بعد به فکر ازدواجن، مادر نسل جدید فکر دانشگاه بچه شه. اما مادر قدیمی اینجا همش می‌گه دختر فلانی ازدواج کرد. این طرز فکر مادره که تأثیر داره حتی اگه پدر مخالفت کنه. اگه مادر سیاستش رو داشته باشه راضیش می‌کنه. اگه مادر تسلط داشته باشه به خونه، می‌تونه."

زهرا، ۳۲ ساله

همسر شورای شهر الوان (شوش)، خوزستان

پیچیدگی ازدواج زود هنگام کودکان برنامه‌های هماهنگ سیاسی و قانونی اثرگذار در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. مجموعه‌ای از رویکردها در مورد ازدواج کودکان وجود دارد. هرکسی به‌طور سرنوشت‌ساز نقشی برای ایفا کردن دارد. این بدان معناست که برای ریشه‌کنی ازدواج زود هنگام مداخلات پایدار طولانی‌مدت که در هماهنگی با هم قرار دارند و بازتابی از توانمندسازی دختران، پویایی خانواده‌ها و جوامع، دسترسی به خدمات و استقرار قوانین و سیاست‌های مناسب هستند، ضرورت دارد. سیاست‌گذاران و مسئولین دولتی هنوز هم این شرایط اضطراری را نادیده می‌گیرند. کنار گذاشتن این انکار جمعی و روی آوردن به واقعیات عینی به ریشه‌کنی ازدواج کودکان منتهی می‌شود.

اهداف توسعه‌ی هزاره

ارتباط با زایمان زودرس

اهداف توسعه‌ی هزاره

ارتباط با زایمان زودرس



- فقر یک عامل خطر برای زایمان زودرس است.
- زنان دارای مشکلات سوءتغذیه بیشتر در معرض زایمان زودرس هستند.



- تنظیم خانواده برای جلوگیری از بارداری نوجوانان و جلوگیری از زایمان زودرس با فاصله‌گذاری میان بارداری‌ها
- مراقبت‌های مناسب پیش، حین و بعد از زایمان برای تمامی زنان باردار زندگی خود و فرزندشان را نجات می‌دهد.



- تحصیلات بارداری در سنین پایین را که یک عامل خطر برای زایمان زودرس است کاهش می‌دهد.
- آموزش‌های بهداشتی به اقتضای سن می‌تواند گرایش‌ها به عوامل خطر را کاهش دهد.



- پیش‌گیری و مداوای قبل و حین زایمانی در خصوص بیماری‌های عفونی و غیر مسری که عامل خطر را افزایش می‌دهد



- تحصیلات بارداری در سنین پایین را که یک عامل خطر برای زایمان زودرس است کاهش می‌دهد.
- آموزش‌های بهداشتی به اقتضای سن می‌تواند گرایش‌ها به عوامل خطر را کاهش دهد.



- تضمین دستیابی به آب سالم و امکانات بهداشتی برای کاهش سرایت بیماری‌های واگیردار



- مرگ نوزادان ۴۰ درصد از مرگ‌ومیرهای زیر پنج سال را به خود اختصاص می‌دهد که شاخص هدف چهارم هزاره است.
- مرگ‌ومیر ناشی از زایمان زودرس روند افزایشی داشته و اکنون از دلایل عمده‌ی مرگ‌ومیرهای زیر پنج‌سالگی است.



- مشخص‌سازی اقداماتی در قانون اساسی که می‌تواند به‌صورت فردی و جمعی به بسیج منابع، مشخص‌سازی شکاف‌های اجتماعی و تضمین حمایت از پیشگیری از زایمان زودرس و مراقبت‌های لازم بینجامد.

سن قانونی تعریف شده برای تحصیلات اجباری باید همراستای سن حداقل تعریف شده برای ازدواج باشد. عوض کردن قانون در خصوص سن قانونی ازدواج که در حال حاضر ۱۳ سال برای دختران (و ۹ سال با اجازه دادگاه) و ۱۵ سال برای پسران است، نیازمند افزایش به سن ۱۸ سالگی است. ثبت رسمی تولدها و تمامی ازدواج‌ها برای خنثی کردن ازدواج کودکان الزامی است. ثبت رسمی ازدواج یک قدم اساسی در مقابله با ازدواج زودهنگام کودکان است.

دولت باید وجود و ماهیت ازدواج زودهنگام کودکان را به رسمیت شناخته و مایل به ریشه‌کن‌سازی آن باشد. نقش حکومت و نهادهای جامعه‌ی مدنی توسعه و به‌کارگیری نظام‌های پایدار برای جلوگیری از ازدواج زودهنگام کودکان است. باین‌حال تمایل حکومت به‌تنهایی برای مبارزه با کودک همسری کافی نیست. همچنان که هنجارهای فرهنگی و اجتماعی بر هنجارهای قانونی غلبه پیدا می‌کنند، یک تعهد روشن حکومتی برای تضمین اینکه قانون آن‌طور که باید به اجرا درآید، ضرورت دارد. حکومت‌ها با در صدر اهمیت قرار دادن ازدواج زودهنگام کودکان و فراهم‌سازی منابع مالی کافی از طریق وزارتخانه‌ها برای کنار آمدن با این پدیده‌ی تاریخی، باید مدیریت سیاسی مقتدرانه‌ای را در این خصوص نشان دهند. علاوه بر این حکومت می‌تواند سیاست‌گذاری‌های سازمانی را با هم هماهنگ کرده و همچنین بر روی مطالعات مربوط به ازدواج زودهنگام کودکان و سایر پروژه‌های مشابه بودجه‌ی لازم را تهیه کند. این امور مستلزم راهکارهای درازمدت است نه علاج‌هایی سریع و کوتاه‌مدت.

بر اساس یافته‌های این مطالعه پاسخگویان در خصوص اثرات مخرب و آسیب‌زای ازدواج کودکان ناآگاه بودند یا دانش بسیار ناچیزی داشتند. ازدواج کودکان هم علت و هم معلول کم‌سوادی است. گرچه یافته‌ها حاکی از آن بود که تقریباً هیچ‌کدام از پاسخگویان کوچک‌ترین اطلاعی از سن قانونی ازدواج نداشتند، اما بالا بردن این حداقل سنی از ۱۳ و ۱۵ به ۱۸ سال و اطلاع‌رسانی در خصوص آن به مردم و آموزششان چیزی است که از حاکمیت انتظار می‌رود.

باید تلاش جدی‌تری از جانب دولت برای مجازات افرادی که به ازدواج کودکان دست می‌زنند و کیفر والدینی که فرزندانشان را وادار به ازدواج زودهنگام می‌کنند، صورت گیرد. مورد هدف قرار دادن پدران، مادران، برادران، و شوهران در مداخلات ریشه‌کنی ازدواج زودهنگام موجب می‌شود آن‌ها بتوانند از وضعیت جنسی و مزایای حمایت و ارزش‌گذاری زنان و دختران درک درستی بیابند.

رهبران دینی از عاملان کلیدی و بنیادی تغییرند. آن‌ها تأثیر قابل‌توجهی بر عقاید عموم دارند و با اعتمادی که در میان جامعه دارند، می‌توانند مقبولیت فرهنگی تأخیر در ازدواج را جا بیندازند. رهبران دینی به‌طور بالقوه این توانایی را دارند که علیه کودک همسری و تغییر نگرش‌های جامعه گام بردارند.

باید به دختران جوان کمک شود تا توانایی لازم را در مقابل بزرگسالان حتی والدین، که می‌خواهند ایشان را وادار به ازدواج قبل از رسیدن به سن بلوغ کنند، جهت دفاع از خود کسب کنند. جامعه‌ی دانشگاهی و محققان باید تحقیقات گسترده و عمیق بیشتری را در سطح کشوری اجرا کرده و گزارش‌هایی را در خصوص ازدواج زودهنگام کودکان، ماهیت، میزان رواج و خشونت جنسی ملازم آن ارائه دهند. در جهانی که به مبارزه با کودک همسری برخاسته، ازدواج کودکان در ایران همچنان مورد غفلت واقع شده است. به عبارت دیگر، نسل جدید آگاه و فعال باید برای دفاع از خودش از پشتیبانی افراد پیشرویی در جامعه‌ی خود برخوردار باشند تا به طرزی پیش‌رونده ازدواج زودهنگام کودکان را به طنینی از یک رسم و سنت تبدیل کنند که دیگر وجود خارجی ندارد.

با استناد به ساختار دینی حاکم بر ایران، بلوغ و شروع اولین عادت ماهانه به عنوان آستانه ی انتقال از کودکی به بزرگسالی در نظر گرفته می‌شود. رسیدن به این آستانه ی فیزیکی و بیولوژیکی به معنای صلاحیت فرد برای ازدواج، صرف نظر از سن واقعی او می‌باشد. اگرچه ازدواج زودهنگام به هردوی دختران و پسران خردسال اطلاق دارد، اما واقعیت تلخ جامعه دال بر این است که عواقب و اثرات پدیده ی کودک همسری برای دختر بچه‌ها به مراتب جدی‌تر و خطرناک‌تر است. بدون شک سرمایه گذاری اجتماعی بر روی دختران، بسط سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی آن‌ها و تضمین دسترسی‌شان به خدمات آموزشی و بهداشتی نشان روشنی از برابری جنسیتی است که موجبات شکوفایی جوامع قوی‌تری را فراهم می‌کند. هرچند در نبود مطالعات مستقل و معتبر در خصوص کودک همسری در ایران، اطلاعات اندکی در این باره در دسترس است، آمار رسمی و دولتی ایران حاکی از این است که سالانه ده‌ها هزار دختر و پسر زیر سن ۱۵ سالگی وارد ازدواج می‌شوند. شمار واقعی این کودکان در حقیقت بالاتر از این آمارها است. بسیاری از خانواده‌ها و مردانی که بیشتر از یک همسر دارند در ایران ازدواج خود و ازدواجهای سنین پایین را ثبت نکرده و یا به صورت غیر ثبت شده مخفی نگاه می‌دارند.

این تحقیق جامع برای اولین بار سعی در تحلیل و بررسی رواج ازدواج کودکان در ایران با تاکید بر عوامل اجتماعی- فرهنگی دارد که آینه ی تمام نمای نابرابری‌های عمیق و ریشه داری هستند که به تداوم حیات کودک همسری در ایران دامن زده است. دلیل عقلانی انجام این مطالعه، تبیین شواهد و شیوع این عمل آسیب‌زا در ایران و کمک به تصمیم‌گیران دولتی در تمرکزشان بر حمایت‌آنی از حقوق انسانی دختران است. این مطالعه تلاشی است برای نمایان ساختن و به سطح آوردن اعماق مساله ی کودک همسری در ایران.

